

### عراق بادرخواست جمهوری اسلامی برای استرداد رجوی مخالفت کرد

روزهشتم خردادماه، چندروز پس از بازگشت علی خرم مشاور وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی از عراق، مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق در بغداد به دیدار طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق رفت و با وی پیرامون مناسبات عراق با جمهوری اسلامی و حضور سازمان مجاهدین خلق در این کشور گفتگو کرد.

روزه شنبه ۹ خرداد اعلام شد که طی چند روز آینده یک هیات عراقی به سرپرستی معاون وزیر امور خارجه عراق برای پی گیری مذاکرات با مقامات جمهوری اسلامی به تهران خواهد رفت. در صورت موفقیت مذاکرات این هیات در تهران، ولایتی عازم بغداد خواهد شد تا با همتای عراقی خود دیدار کند.

کاردار عراق در تهران صلاح بقیه در صفحه ۳

### همزمان با ماه محرم انجام شد

## مانور گسترده پاسداران در اطراف تهران

- در مراسم ماه محرم عده ای از جوانان دستگیر شدند
- در جریان مانور عاشورا تهران توسط ۱۰۰ هزار پاسدار محاصره شد
- به دفتر نشریه پیام دانشجوی بسیجی حمله شد

دیگر مشهد، اراک، تبریز، قزوین نیست که حکومت بتواند با مسدود کردن راه های ورود و خروج آن ناراضیان را سرکوب کند. تکرار خیزش اسلامشهر و سرایت آن به دل تهران می تواند برای رژیم مرگبار باشد. از این رو برپایی مانور عاشورا و نمایش سرکوب و محاکمه اسیران در بند اسلامشهر همزمان شده اند تا رعب و وحشت بیشتری در میان مردم بیافرینند.

### دستگیری جوانان در مراسم عزاداری

نمایش قدرت و سرکوب از نخستین روزهای ماه محرم آغاز شد. پاسداران مسلح در دسته های چند نفری در مناطق استراتژیک و در برابر بانک ها، پمپ بنزین ها، ادارات دولتی و تکیه های عزاداری مستقر شدند و در روزهای تاسوعا و عاشورا (۱۸ و ۱۹ خرداد) گه دسته های

عزاداری در گذرگاهها برای اجرای مراسم به راه افتادند، بر شمار پاسدارن افزوده شد.

در بعد از ظهر عاشورا در امامزاده عقیل، بیست کیلومتری جاده ساوه که پیکریکی از کشته شدگان سرکوب خونین مردم اسلامشهر در صحن آن به خاک سپرده شده است، بسیاری از خانواده ها در اعتراض به سکوت رژیم در مورد وضعیت فرزندان بازداشت شده خود اجتماع کردند. اعتراضات مردم در شامگاه عاشورا در چند تکیه بزرگ مراسم عزاداری به درگیری با پاسداران و ماموران امنیتی که بالباس میدل میان جمعیت بخش بودند منجر شد. در خیابان جمهوری در محل حسینه سید هاشم پاسداران جوانانی را که علیه رژیم شعار می دادند دستگیر کردند و آنان را سوار بر اتوبوس هایی که از قبل آماده کرده بودند، با خود بردند.

دو روز بعد محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران در گفتگویی مطبوعات اعلام کرد که خانه های بقیه در صفحه ۲

### ۸ تیر روز شهدای فدائی

## یاد یاران جان باخته ومبارزان راه آزادی میهن و بهروزی مردم گرامی باد

صفحه ۲

## یک زندانی سیاسی محکوم به اعدام شد

شناخت. در حکم صادره وی متهم شده است که از سال ۶۴ تا زمان دستگیری فدایی بوده و به پیروی از اندیشه فداییان (اقلیت) برای براندازی جمهوری اسلامی تلاش می کرد. قرار است پرونده احمد باختری در هیات عمومی دیوان عالی کشور برای صدور رأی نهایی بررسی شود. ما دستگیری و صدور حکم اعدام علیه باختری را محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری او هستیم و از نیروهای آزاده و ترقیخواه ایران و جهان می خواهیم با اقدام یکبارچه و پشتیبانی از باختری، جمهوری اسلامی را به تمکین از حقوق بشر و لغو حکم صادره علیه وی وادارند.

بنابه گزارش منابع قضایی جمهوری اسلامی احمد باختری به اتهام حمله مسلحانه به بانک تجارت تهران و حمل غیر مجاز اسلحه به اعدام محکوم شد. حکم اعدام احمد باختری از سوی دادسرای انقلاب اسلامی صادر شده است. در متن حکم صادره علیه وی آمده است: احمد باختری مشهور به ناصر بانام مستعار صمد فرزند ابوالقاسم شغل کارشناس مرکز تحقیقات کشاورزی مازندران، ساکن ساری به اتهام فعالیت و قیام مسلحانه علیه انقلاب اسلامی تحت تعقیب دادسرای انقلاب اسلامی تهران قرار گرفت که پس از بررسی پرونده و محاکمه نامبرده، دادگاه او را مجرم

### اروپا و آمریکا:

## بازتاب سیاست های متفاوت در قبال ایران

رویدادها و موضعگیری های گوناگونی که در هفته های اخیر در اروپا و آمریکا در ارتباط با ایران به وقوع پیوسته است، بیش از پیش نشانگر شکل گیری دو سیاست متفاوت در قبال کشور ماست. مشی نخست، حدود دو سال پیش به دنبال روی کار آمدن دولت کلینتون در آمریکا از سوی سیاست گذاران این دولت اعلام شد و اکنون به درجات متفاوتی از پیگیری، از سوی محافل سیاسی واشنگتن دنبال می شود. این مشی، سیاست مهاردوگانه نام گرفت و هدف آن، محدود و منزوی کردن ایران و عراق در منطقه اعلام شد. در حالی که دریدو امر، مقامات دولت کلینتون گفتند که مانند دولت بوش، عراق را کماکان خطر اصلی برای منافع ایالات متحده در خاورمیانه می دانند، با اعلام سیاست تحریم اقتصادی ایران از سوی کلینتون، به نظر می رسد لبه تیز حمله واشنگتن در منطقه متوجه تهران شده است.

سیاست دوم، سیاستی است که اروپایی ها آن را "دیالوگ انتقادی" نام نهاده اند و پیگیری ترین مدافع آن در تمام طول سال های اخیر، دولت آلمان بوده است. محافظه کاران انگلیس که در دوره حکومت جمهوریخواهان آمریکا نزدیک ترین سیاست خارجی را به سیاست واشنگتن دنبال می کردند، در دوره میجر و کلینتون از آن سوی اقیانوس فاصله گرفته و حداقل در مورد ایران، سیاستی را دنبال می کنند که به مشی آلمان نزدیک تر است تا روش آمریکا. همه کشورهای اروپایی به دنبال اعلام تحریم ایران از سوی کلینتون، اعلام کردند که به این تحریم نمی پیوندند.

سه تحول جدید، به روشن تر شدن تصویر در مورد سیاست های شکل گرفته در اروپا و آمریکا در مورد ایران، کمک می کند. نخست، ابتکار اتحادیه اروپا برای حل "مسئله سلمان رشدی" است. در ماهی که گذشت، اتحادیه اروپا پس از اعلام تحریم اقتصادی ایران توسط واشنگتن، ابتکار عمل را - البته در جهتی مغایر با سیاست اعلام شده آمریکا - در دست گرفت و به جمهوری اسلامی چنین پیام داد: مادر تحریم شما شرکت نمی کنیم. متقابلاً از شما انتظار داریم فتوای قتل سلمان رشدی را لغو کنید. قرار است محمود واعظی از مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی در هفته آینده به اروپا برود و پاسخ رسمی تهران به ابتکار اتحادیه اروپا را تسلیم کند. اما مقامات ریژودرشت جمهوری اسلامی از پیش رئوس این پاسخ را به اطلاع اروپا رسانده اند: فتوای خمینی قابل لغو نیست، اما تعهد می دهیم برای قتل رشدی کماندو نفرستیم و از عوامل خود بخواهیم در اروپا قوانین کشورهای میزبان را رعایت کنند. ظاهراً اروپا تصمیم گرفته است این

بقیه در صفحه ۳

## گروه دوم متهمان به قتل دکتر شاپور بختیار

### محاکمه شدند

دادگاه جنایی پاریس روز جمعه ۲۶ خرداد با حضور هفت قاضی برای محاکمه گروه دوم متهمان قتل شاپور بختیار تشکیل جلسه داد. دادگاه حکم متهمین را که ۶ نفر هستند غایباً صادر کرد. هر ۶ تن به حبس ابد محکوم شدند. دوتن از متهمان به نام های فریدون بویراحمدی و محمد آزادی همراه وکیل پاریس در سال ۹۱ وارد اقامتگاه بختیار شدند و او در ستیاریش سروش کتیبه را به قتل رساندند.

چهارتن دیگر که در تدارک ترور بختیار و سرورش کتیبه دست داشتند، عبارتند از مشاوری و رئیسین وزارت پست و تلگراف جمهوری اسلامی حسین شیخ عطار، نفردوم مسعود ادیب سو مامور مخفی رژیم در ترکیه و رابط گروه ترور با وزارت اطلاعات و امنیت، غلامحسین شوریده شیرازی از وابستگان هاشمی رفسنجانی و نفر چهارم ناصر قاسمی نژاد است.

گروه اول متهمان که چند ماه پیش محاکمه شدند علی وکیل پاریس، مسعود هندی و سرحدی بودند. سرحدی به هنگام قتل بختیار کارمند رسمی سفارت جمهوری اسلامی در سوئیس بود. جمهوری اسلامی برای تیرئه سرحدی دوتن از وکلای

## روزنامه های دولتی دوبار بر شد

هفت روزنامه دولتی ایران که تاکنون به پیروی از سیاست رژیم بحران اقتصادی کشور را تبلیغات دشمنان و مخالفان قلمداد می کردند ناگزیر شدند تحت فشار تورم و گرانی سرسام آور، قیمت هر نسخه روزنامه را دو برابر کردند. در اطلاعاتی که هفت روزنامه مشترکاً صادر کردند و در تاریخ ۱۷ خرداد در این روزنامه ها به چاپ رسید، علت افزایش قیمت را بحران کاغذ و کمبود آن، افزایش قیمت انواع کالا های وارداتی و خدمات فنی ذکر کردند.

در این اطلاعات به مشترک که بقیه در صفحه ۲

### از روز سه شنبه ۱۶ خرداد

## تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا به اجراء آمد

اعمال رسمی تحریمهای آمریکا، ژاپن اعلام داشت که در تحریم علیه ایران شرکت نخواهد کرد. مدیر کل وزارت امور خارجه ژاپن، طی دیدار با مشاور سفیر آمریکا در توکیو اعلام کرد که ژاپن تقاضای واشنگتن مبنی بر اعمال تحریم های اقتصادی علیه ایران را عملی صحیح تشخیص نمی دهد و ژاپن اعتقاد ندارد از وای ایران و سوق آن به سمت تندروی روش درستی باشد. وی افزود واشنگتن تصمیم به تحریم تجاری ایران را به طور یک جانبه وبدون استناد به یک توافق بین المللی نظیر قطعنامه های شورای امنیت سازمان بقیه در صفحه ۲

## رقابت رهبر و رئیس جمهور برای کنترل وزارت اطلاعات

نماینده معان در جلسه مجلس شورای اسلامی فاش ساخت که بین خامنه ای و هاشمی رفسنجانی بر سر نظارت و کنترل وزارت اطلاعات و امنیت اختلاف وجود دارد و طرفداران خامنه ای در مجلس معتقدند که وزارت اطلاعات با پستی زیر نظر رهبری باشد و به جای گزارش به هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس دولت از خامنه ای کسب تکلیف کند.

احمدی نماینده معان با تاکید بر تجدید سازمان و سیستم نظام امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی گفت: وزارت اطلاعات باید از دولتی بودن خارج شده و زیر نظر رهبری در حراست از کل نظام که دولت نیز جزئی از آن است، انجام وظیفه کند. احمدی با تاکید بر این که وزارت اطلاعات باید زیر نظر افراد "صالحی" باشد، گفت اگر سلامت نظام را طالب هستیم باید عملکرد مسئولین رده بالای حکومتی تحت نظر افراد صالح و متقی قرار گیرد.

روزشنبه ۲۰ خرداد، فلاحیان وزیر اطلاعات فعالیت های این وزارتخانه را تشریح کرد. وی در گزارش خود بیش از همه بر عملیات نفوذی وزارت اطلاعات در میان برخی از نیروهای اپوزیسیون تاکید کرد. وی به ترورهایی که در یکسال اخیر به رهبری وزارت اطلاعات صورت گرفته است اشاره ای نکرد. آخرین عملیات تروریستی رژیم، قتل دوتن از نیروهای اپوزیسیون در عراق است.

یادداشت

نمایش قدرتی که روبه تحلیل می‌رود

برگذاری مانور نظامی سپاه پاسداران با شرکت ۱۰۰ هزار پاسدار و لشکر زمینی وزرهی در جنوب غربی تهران، از اقدامات پرسروصدای هفته گذشته بود. محل مانور قبلاً علی‌آباد قم اعلام شده بود، اما این محل به طور ناگهانی تغییر کرد و به جنوب تهران منتقل شد، هم این موضوع و هم سخنان محسن رضایی که گفت این مانور در اصل نه برای ارتقای کارایی نظامی، بلکه به خاطر مقاصد سیاسی است؛ نشان می‌دهد که هدف این مانور نمایش قدرت و به رخ کشیدن توان سرکوب رژیم و نشان دادن ثبات در کشور است. این جنگ و دندان نشان دادن به چه منظور و برای چه کسانی است؟ سران حکومت بعد از شورش مردم در شهرهای اراک، شیراز و مشهد بسیجی‌ها را فراخواندند و آنها را در گردان‌های ویژه سازماندهی کردند و وظیفه سرکوب را بر عهده آنها گذاشتند. در همان موقع یگان ویژه سپاه پاسداران انقلاب نیز برای مقابله با اعتراضات مردم تشکیل گردید و نقش نیروی واکنش سریع بر عهده آن گذاشته شد. در تکمیل این اقدامات، مجلس شورای اسلامی قانونی را تصویب کرد و به مأمورین انتظامی و اطلاعاتی رژیم اجازه داد که برای مقابله با شورش و "بلوا" از سلاح استفاده کنند.

مانور نظامی عاشورا تا دوام همین اقدامات است. حکومت گران بروز حرکات بیشتر اعتراضی را پیش‌بینی می‌کنند و از این حرکات به ویژه در تهران وحشت دارند. آرامش در تهران برای حکومت به جهات مختلف جنبه حیاتی دارد و خیزش مردم در این شهر می‌تواند اوضاع را تحت تاثیر قرار دهد. به همین جهت است که رژیم به برگزاری مانورهای زیادی در تهران دست زده است تا آمادگی مقابله سریع با شورش احتمالی مردم را در نیروهای سرکوبگر خود فراهم آورد. هدف این مانورها زهر چشم گرفتن از مردم و نشان دادن تصمیم رژیم به این است که می‌خواهد هر اعتراضی را با کشتار خاموش کند.

برگزاری مانور عاشورا هدف دیگری نیز داشت و آن مرعوب ساختن ارتش بود. سران رژیم بعد از شانزده سال، هنوز به ارتش اعتماد لازم را ندارند و آن را پاره تن خود نمی‌دانند. امکانات رژیم برای متکی شدن به ارتش به منظور سرکوب مردم زیاد نیست. ارتش ناراضی‌ها و مخالفت‌هایی برای رودررویی با مردم از خود نشان داده است. گسترش ناراضی‌ها در صفوف ارتش و انتشار نامه‌های سرگشاده بیانگرایان مخالفت‌ها است و اعتماد رژیم به ارتش را بیشتر از پیش متزلزل کرده است.

اما برگزاری بی‌دری این گونه مانورها و کشتادن نیروهای نظامی به خیابان‌ها، خود بزرگترین نشانه آن است که رژیم اطمینانی به اوضاع ندارد و نیرویی را به نمایش می‌گذارد که روزه روز بیشتر تحلیل می‌رود.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره

حمله به دفتر نشریه پیام دانشجوی بسیجی

افراد مسلح در روز شنبه ۲۰ خرداد با حمله به دفتر نشریه پیام دانشجوی بسیجی، مسئولین این نشریه را مورد ضرب و شتم قرار دادند و آنان را تهدید کردند که اگر به مخالفت خود با حکومت اسلامی ادامه دهند، آنها را به قتل خواهند رساند. این نشریه قبلاً نیز به مدت کوتاهی توقیف شده بود و عوامل رژیم با بسیج دانشجویان هوادار خود کوشیده بودند آن را تحت کنترل در آورند.

نشریه پیام دانشجوی بسیجی، طی ماه‌های اخیر به افشای فسادهای گسترده مقامات حکومتی، از جمله در مورد اختلاس بزرگ بانک صادرات، دست زده و با برخی از سیاست‌های حکومت به مخالفت برخواسته بود. این نشریه وابسته به جناح‌هایی از حکومت است که اکنون خود قربانی استبدادی شده‌اند که هیچ مخالفتی را حتی در درون خود نیز تحمل نمی‌کنند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هجوم به دفتر نشریه پیام دانشجوی بسیجی و تهدید مسئولین آن به مرگ را محکوم می‌کند و این اقدام را نشانه دیگری از استبداد فراگیر و خشن جمهوری اسلامی می‌داند و خواهان آزادی مطبوعات و پایان یافتن فشارهای آشکار و پنهان بر آنان است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۲ خرداد ۱۳۷۴

قیمت روزنامه‌های دولتی ...

خواهد شد.

روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، رسالت، سلام، ابرار، کار و کارگرو جمهوری اسلامی زیر آن را امضا کرده‌اند. آمده است: از روز شنبه ۲۰ خرداد ماه جاری هر نسخه روزنامه به قیمت ۲۰۰ ریال تقدیم خوانندگان خواهد شد. این روزنامه‌ها، علیرغم افزایش قیمت به روال سابق همچنان از سوبسید دولتی برخوردارند و امتیاز چاپ آگهی‌های دولتی را نیز که یکی از منابع عمده تأمین درآمد روزنامه‌هاست در انحصار دارند.

تحریم اقتصادی ایران توسط ...

گفت: ژاپن بر اساس موافقتنامه‌های بین‌المللی، صادرات کالاها را که امکان دارد از طرف ایران برای تولید سلاح به کار گرفته شود، محدود خواهد کرد. ملل متحد اتخاذ کرده است. مدیر کل وزارت خارجه ژاپن افزود که دولت ژاپن آمادگی دارد بین ایران و آمریکا میانجی‌گری کند و روابط دو کشور باید بهبود یابد. مقام ژاپنی

مسئول خرید نیروهای مسلح با ۶ میلیون دلار به آمریکا گریخت

سنا به خبر هفته نامه پیام دانشجوی بسیجی، مسئول خرید نیروهای مسلح با ۶ میلیون دلار به آمریکا فرار کرده است. او برای خرید به مسکو سفر کرده بود. گفته می‌شود اسم این شخص سر تیپ پاسدار شفق است. این نشریه از نمایندگان مجلس خواسته است که قضیه را پیگیری کرده و گزارش آن را به مردم ارائه دهد.

همین هفته نامه خبر داده است که موسوی قمی رئیس بنیاد نبوت اخیراً آزاد شده است. موسوی قمی چند سال پیش به جرم کلاهبرداری دستگیر شده بود. به نوشته این نشریه بنیاد شهید در زمان تصدی کربویی دو هزار تاومیلیون نوبه ایران وارد کرده تا با فروش آن بخشی از هزینه‌ها را تأمین کند.

مانور گسترده پاسداران در ...

بقیه از صفحه ۱ دستور داده است "مانور عاشورا" با شرکت پاسداران سراسر کشور در تهران آغاز شود.

یورش ماموران امنیتی به دفتر نشریه "پیام دانشجوی"

همزمان با تدارک گسیل پاسداران به خیابان‌ها و نمایش نظامی، برای ارباب مردم، دفتر هفته نامه پیام دانشجوی بسیجی که به تازگی تحت فشار رژیم پسوند "بسیجی" از نام آن حذف شده است، هدف یورش ماموران امنیتی قرار گرفت.

به گزارش مطبوعات، مهاجمان که تعداد آنان ۲۰ نفر بودند روز شنبه ۲۰ خرداد به دفتر نشریه حمله ور شدند و تمامی اعضای تحریریه، دست‌اندرکاران و جمعی از مهاجمان را به زور اسلحه در اتاقی محبوس کردند و معترضین را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. به گفته محمد حسین زارعی عضو شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و عضو هیات تحریریه نشریه پیام دانشجوی بسیجی "مهاجمان با ایجاد جو ارباب و تهدید و با برهم زدن سیستم، چک‌ها و موجودی نقدی تحریریه را برداشته و کامپیوترها، دستگاه‌ها، کس و آرشیه‌ها را منهدم کردند.

روزنامه سلام به نقل از منبع خبری دیگری نوشته که مهاجمین به اعضای تحریریه نشریه گفته‌اند مملکت قانون ندارد و ما خودمان قانون هستیم. مگر چند یار با آقای ... مدیر مسئول هفته نامه تذکره شده که علیه سه قوه چیزی ننویسید؟ چرا دوباره نوشتید؟ مهاجمین به دفتر نشریه، مدیر مسئول، سردبیر و اعضای تحریریه را تهدید کردند که شما را در خیابان یا جای دیگر با ماشین و ... از بین خواهیم برد.

آخرین خبری که پیام دانشجوی بسیجی پیش از یورش مهاجمین چاپ کرد، گزارش چگونگی فرار سر تیپ پاسدار شفق با ۶ میلیون دلار به آمریکا بود. این نشریه در شماره‌های پس از هجوم "حزب الهی" منتشر شد، نوشت: "مهاجمان چنان با قلدری و اطمینان قدم به داخل ساختمان گذاشتند که گویا بنسنت آنان به کوه است. زندانی کردن کارکنان و مراجعان، بازجویی و جمع‌آوری مدارک شخصی آنان و نظاره به تنظیم صورت جلسه نشان از چه دارد؟"

۸ تیر، روز شهیدان فدایی، گرامی باد!

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت ۸ تیر

یاد یاران جان باخته

مبارزان راه آزادی و بهروزی میهن و مردم

گرامی باد

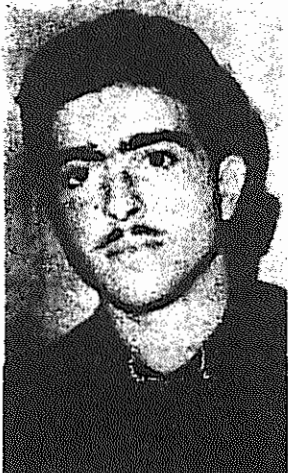
۸ تیر سالروز شهادت گروهی از یاران ما و آغازگران جنبش فدائیان و روز شهیدان سازمان است. ۸ تیر سال ۱۳۵۵ رفقا حمید اشرف، یوسف قانع خشک بیجاری، محمد رضا پیربی، محمد حسین حق نواز، علی اکبر وزیری، طاهره خرم، غلام رضا لایق مهربان، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پور در مقاومتی حماسی در برابر انبوه ماموران مسلح استبداد که به محل اجلاس کادر رهبری سازمان حمله برده بودند، به شهادت رسیدند.

این رفقا اما، نه نخستین شهیدای سازمان ما و نه آخرین آنها بودند. پیش از آنها ده‌ها تن از فعالین، رهبران و بنیانگذاران سازمان و پس از ۸ تیر ۱۳۵۵ نیز، صدها تن دیگر در بحبوحه انقلاب، در جریان دفع تجاوز ارتش عراق تا آزادسازی دوباره خرمشهر و نیز در اسارتگاه‌ها و پای چوبه‌های دار رژیم اسلامی جان خود را از دست دادند. ۸ تیر روز گرامی‌داشت این یاران و تجلیل از مبارزه سخت و دشوار آنهاست. یارانی که جز دفاع از حقوق و حرمت انسان و آزادی و آبادی میهن سودایی دیگر در سر نداشتند.

ارزوی آزادی میهن و بهروزی مردم، جان‌مایه و انگیزه بیکاروتلاش همه فداییان خلق در تمام این سالها بود، چه آنها که جان باخته‌اند و چه آنها که امروز در صفوف سازمان در مبارزه با اربابان برای از چنگال استبداد سهیم‌اند. راز ماندگاری و تداوم این جنبش نیز وفاداری به این آرمانها، با مردم بودن و پابندی به منافع مردم و مصالح میهن بوده است. در سالروز جانباختگان سازمان یاد همه آن جانهای شیفته را گرامی داریم و به احترام شان سر تعظیم فرود می‌آوریم.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تیر ماه ۱۳۷۴

به یاد یاران



با فرارسیدن دیگر باره ۸ تیر، ۱۹ سال از جان باختن رفقای ما، فدائیان خلق حمید اشرف، محمد حقنواز، یوسف قانع خشک بیجاری، محمد مهدی فوقانی، علی اکبر وزیری، طاهره خرم، غلامرضا حسینی، فاطمه حسینی، غلامرضا خراط پور و محمد رضا پیربی می‌گذرد. پس از کشتار رهبران دو گروه بنیانگذار سازمان، جان باختن رفیق حمید و یارانش مهلک‌ترین ضربه بر پیکر ما بود. خصم بر آن بود تا بر مبارزه فدائیان نقطه پایانی بگذارد و با کشتن رفقا بر این توهم بود که به خواسته خود دست یافته است. این تصور باطلی بود. و امروز که ۱۹ سال از جان باختن آن آزادگان می‌گذرد فدائیان هم چنان پابرجا هستند استبداد هم چنان آماج مبارزه ماست.

رفیق حمید و یارانش نه نخستین جان باختگان سازمان بودند و نه آخرین آنان، در ۲۵ سالی که از حیات سازمان می‌گذرد صدها فدائی خلق با آرمان‌های آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در راه آبادی ایران و در راه آزادی و سعادت میهن و هم میهنان مان از جان خود گذشته‌اند، صدها فدائی خلق در زیر شکنجه‌های جلادان دور رژیم مستبد و در برابر جوخه‌های اعدام و بر چوبه‌های دار آنان جان بر سر پیمان نهاده‌اند تا روزی سپیده آزادی بر میهن استبداد زده‌شان لیخند زند، ده‌ها فدائی خلق در جبهه‌های جنگ سینه ستیر خود را سپهر گلوله‌های دشمنان این خاک و بوم کردند و بر خاک افتادند تا ایران سرفراز ماند، ده‌ها فدائی خلق در کردستان و ترکمن صحرا از جان در راه رفع ستم و تضییقات ملی ایستادند و جان دادند و ده‌ها فدائی خلق ربوده و شکنجه شدند و به قتل رسیدند.

برای ما فدائیان ۸ تیر روزی است یاد آورندگان یارانی عزیز و بسیار یارانی سرشار از شور و شوق زندگی. یاران ما گور جان خود را و ثبته صلابت مبارزه‌ای بی‌امان در راه آزادی و برابری در میهن کردند. نمر جانفشانی‌های آنان با گرفتن و بقای جنبشی شد که امروزه یکی از رکن‌های اساسی جنبش دموکراسی در میهن ماست.

بزرگداشت ۸ تیر، روز جان باختگان سازمان، نه بزرگداشت شهادت، که گرامی‌داشت و قدردانی از مبارزه است، مبارزه‌ای بی‌امان و توأم با از خود و از جان گذشتن، مبارزه‌ای با اهداف و آملی عالی و انسانی. ۸ تیر نه بزرگداشت پاس و مرگ که گرامی‌داشت عشقی است والا به زندگی و بزرگداشت تک تک آن آزادگانی است که در تارترین روزهای میهن سردار عشق شدند و مشعلی از جان فروزان خود بر فراز آن افراشتند.

۸ تیر روز امید است و روز عزم، عزمی جزم به مبارزه با ستم، استبداد و بی‌عدالتی و در راه میهنی آباد، آزاد و سعادت مند و سرفراز.



## دولت آلمان به خانم رجوی اجازه ورود به این کشور را نداد

گرد همایی سیاسی سازمان مجاهدین خلق به مناسبت ۳۰ خرداد که برای روز جمعه ۲۶ خرداد (۱۶ ژوئن) در شهر دورتموند آلمان تدارک شده بود، بخاطر مخالفت دولت آلمان با سفر خانم مریم رجوی به این کشور بدون حضور وی برگزار شد.

دلیل مخالفت دولت آلمان با سفر مریم رجوی به این کشور سیاست این سازمان در براندازی حکومت ایران و مغایرت آن با منافع آلمان بیان شد. این تصمیم تحت تاثیر اعمال فشار مستقیم جمهوری اسلامی صورت پذیرفته. صراحت دولت آلمان و بیان آشکار علت این تصمیم توسط دولت این کشور تازگی دارد. پیش از این دولت این کشور می‌کوشید پذیرش خواسته‌های باج خواهانه و غیر قابل دفاع جمهوری اسلامی و یا دلایل آن را مسکوت بگذارد.

سازمان مجاهدین برای میتینگ خود در شهر دورتموند تدارکات و سازماندهی فوق العاده وسیعی در سراسر اروپا صورت داده بود.

مراسم ۳۰ خرداد بدون حضور مریم رجوی برگزار شد. وی از طریق ماهواره برای حاضرین در این گردهمایی سخنرانی کرد. رسانه‌های گروهی تعداد شرکت کنندگان را حدود ۲ هزار نفر ذکر کردند. خود مجاهدین تعداد اجتماع کنندگان را ده هزار نفر قید کرده‌اند.

این تصمیم دولت آلمان که تحت فشار جمهوری اسلامی انجام گرفت، در تقابل آشکار با موازات و حقیقت آزادی بیان محسوب می‌شود.

## ۴۸۰ تن از کارگران شهرداری تهران

### اخراج شدند

جای این کارگران، کارگرافغانی به طور روزمزد به کار گرفته است. کارگران می‌گویند در مناطق مختلف شهرداری تهران از جمله منطقه ۱۴ به این دلیل کارگرافغانی به کار گرفته می‌شوند که مسئولان مناطق مختلف شهرداری از پرداخت حقوق و مزایای قانونی آنان از جمله حق بیمه، حق مسکن و اولاد و ... معاف هستند.

منطقه ۱۴ در اردیبهشت ماه به کارگران ابلاغ شد، علت اخراج آنان واگذاری امور خدمات شهری، فضای سبز، عمران و دیگر واحدها به بخش خصوصی ذکر شد. کارگران اخراجی روز اول خرداد در اعتراض به تصمیم شهرداری تهران، مقابل خانه کارگر اجتماع کردند و خواستار بازگشت به کار شدند. بخش خصوصی به

۴۸۰ نفر از کارگران رسمی شاغل در واحدهای عمران، فضای سبز، خدمات شهری، موتور سبک و سنگین نواحی چهارگانه شهرداری منطقه تهران که بسیاری از آنان پیش از بیست سال سابقه اشتغال در شهرداری دارند، به تصمیم شهرداری تهران از کار اخراج شدند.

در حکمی که توسط شهرداری



## عراق با درخواست جمهوری اسلامی برای ...

بقیه از صفحه ۱

سرمه‌به خیرنگاران گفت: مشاور ولایتی در دیدار با مقامات عراقی طرح جامعی از سوی جمهوری اسلامی برای حل مسایل مورد اختلاف ارایه کرده است. وی در مورد جزئیات طرح جمهوری اسلامی توضیحی نداد. در گفتگوهای علی خرم در بغداد، تهیه لیست کامل از اسرا و میزبانان آنان، استرداد هواپیماهای عراقی و عدم حمایت هر یک از دو کشور از گروه‌های مخالف کشور مقابل و جلوگیری از عملیات آنان در مرزهای دو کشور جای برجسته‌ای داشتند.

کرده است.

در باره جلوگیری از فعالیت مجاهدین در عراق و محمد باقر حکیم رهبر مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در ایران هنوز گزارش رسمی منتشر نشده است. سازمان مجاهدین می‌گوید طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق در دیدار با مسعود رجوی به وی اطمینان داده است عراق با درخواست جمهوری اسلامی مخالفت است و او را به رژیم ایران تحویل نخواهد داد.

در ایران برخی از روزنامه‌ها روز ۱۶ خرداد با استناد به گزارش رادیو بحرین نوشتند که مقام‌های سیاسی دو کشور ایران و عراق در مورد مخالفان یکدیگر به توافق کامل نزدیک شده‌اند و زمینه عزیمت حجت الاسلام حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به لندن فراهم شده و بازگرداندن شیخ علی‌نهرانی نیز در همین چارچوب است. دفتر حجت الاسلام حکیم با ارسال نامه به نشریات، بدون اشاره به نظر رسمی جمهوری اسلامی خیر مربوط به خروج وی از ایران را تکذیب کرد.

بنابراین گزارش مطبوعات، در قم با برگزاری مراسم محرم و راه افتادن دسته‌های عزادار عراقی مخالفت شد و به محمد باقر حکیم رئیس

در باره تعداد اسرا، کاردار عراق در تهران می‌گوید این کشور تنها ۱۶۴ اسیر ایرانی در اختیار دارد. جمهوری اسلامی با استناد به مدارک رسمی، تصاویر تلویزیونی جمع آوری شده از اسرا معتقد است که شمار اسرای ایرانی در عراق ۱۵ هزار نفر است.

در مورد تعداد هواپیماها، عراق مدعی است که این کشور ۱۴۴ فروند هواپیما در ایران دارد. جمهوری اسلامی شمار هواپیماهای عراقی را که در جریان جنگ خلیج فارس به ایران پناهنده شدند ۲۰ فروند ذکر

مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق اجازه سخنرانی در مدرسه حقانی برای طلبه‌های عراقی داده نشد.

خبر توافق بر سر استرداد مسعود رجوی را اولین بار روزنامه کیهان هوانی به نقل از منابع امنیتی رژیم منتشر ساخت و روز ۲۴ خرداد با خوشحالی از احتمال پاسخ مثبت دولت عراق به جمهوری اسلامی با چاپ مقاله‌ای تحت عنوان "آخرین انقلاب ایدئولوژیک" نوشت:

کمترین عواقب حصول توافق نهایی بین ایران و عراق در مورد عادی سازی روابط برای سازمان مجاهدین، خروج از خاک عراق خواهد بود. ... روزنامه کیهان با نقل اخبار، اطلاع داد که مقامات جمهوری اسلامی در سفر اخیر خود به عراق خواستار استرداد مسعود رجوی شده‌اند.

نوشته عدنان حسین "در نشریه الشرق الاوسط حاکی از آن است که تهران و بغداد مبادله مخالفان را آغاز کرده‌اند. به نوشته این نشریه تاکنون دهها تن از مخالفان رژیم عراق توسط جمهوری اسلامی به ماموران عراقی تحویل داده شده‌اند و این حرکت موجبی از وحشت در میان عراقی‌های مقیم ایران که مخالف دولت بعث هستند، برانگیخته است.

## طرح تشدید مجازات گران فروشان تصویب نشد

## ژیرنوفسکی در تهران

ولادیمیر ژیرنوفسکی رهبر حزب لیبرال روسیه که یک حزب ملی گرای افراطی است، هفته گذشته از ایران دیدار کرد. رسانه‌های وابسته به حکومت اسلامی دیدار ژیرنوفسکی از ایران را تقریباً به سکوت برگزار کردند، اما سفرویی به ایران به دعوت مقامات حکومت بوده است. بسیاری از دولت‌ها تا کنون از سفر ژیرنوفسکی به کشورشان به دلیل نظرات شبه فاشیستی او جلوگیری کرده‌اند. او در جریان مبارزات انتخاباتی دو سال پیش روسیه که به کسب حدود ۲۰ درصد از کرسی‌های نمایندگی پارلمان توسط حزب اش منجر شد، گفته بود که سربازان روس باید چکمه‌های خود را در آبهای گرم خلیج فارس بشویند.

انقلاب اسلامی به مجازات محاربه محکوم خواهد شد. موافقان طرح در مجلس از لزوم برخورد قاطع با گرانفروشان در حد اعدام سخن گفتند و مخالفان با تذکر اینکه دامن دولت جمهوری اسلامی نیز در گرانفروشی آلوده است تناقض این طرح ۶ سطر را با ۳۲ صفحه قانون تعزیرات حکومتی که در آن نیز مجازات اعدام برای "گرانفروشان" در نظر گرفته شده است، نشان دادند.

اوائل ماه جاری، مجلس شورای اسلامی طرح یک فوریتی تشدید مجازات گرانفروشان را که با رأی نمایندگان در اولویت دستور کار مجلس قرار گرفته بود، مورد بررسی قرار داد و آنرا رد کرد. در این طرح که خارج از نوبت در دستور کار مجلس قرار گرفت، آمده بود: بجز بهای کالاها و خدماتی که به موجب قانون بودجه‌ای سال ۱۳۷۴ کل کشور به تصویب رسیده است قیمت کلیه کالاهای خدمات به سطح اول آبان ماه ۱۳۷۳ کاهش می‌یابد و هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی که این کاهش را اعمال نکند و به گرانفروشی ادامه دهد با توجه به اینکه موجب اخافه و وحشت عمومی می‌گردد، محاربت تلقی و توسط محاکمه

## اروپا و آمریکا: بازتاب سیاست‌های متفاوت در قبال ایران

بقیه از صفحه ۱

پاسخ جمهوری اسلامی را علیرغم اینکه خواست برحق لغو فتوای خمینی را بی‌پاسخ می‌گذارد، رضایت بخش قلمداد کند.

رویداد دیگر، درواشنگتن به وقوع پیوست. تعدادی از نمایندگان کنگره آمریکا، که البته سیاست خارجی این کشور - عرصه اختیارات کاخ سفید - را تعیین نمی‌کنند، در نامه‌ای به کلینتون خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و حمایت از مجاهدین شدند. تا آنجا که به سیاست تحریم مربوط می‌شود، این نامه در راستای موضع گیری اخیر کلینتون است. اما در مورد وجه اثباتی سیاست آمریکا در قبال ایران، یعنی حمایت از یک نیروی جانشین، بین وزارت خارجه و بخشی از کنگره اختلاف وجود دارد. در حالی که وزرات خارجه چند ماه پیش در گزارشی به کنگره، مجاهدین را یک نیروی تروستی مورد حمایت صدام حسین نامید، ۲۰۲ نماینده کنگره می‌گویند این سازمان یک آلترناتیو مکرر است.

و بالاخره باید از اقدام هفته گذشته دولت آلمان نام برد که مریم رجوی را از حضور و سخنرانی در این کشور منع کرد و این تصمیم را برای آنکه به خوبی به گوش همه و از جمله جمهوری اسلامی برسد، در رسانه‌ها بازتاب داد. جمهوری اسلامی هم مراتب تشکر خود را از این اقدام آلمان اعلام کرد.

سه فرض در توضیح تفاوت‌های چشمگیر در سیاست غرب در قبال ایران قابل بررسی است: فرض نخست آنکه اروپا و آمریکا از اساس، منافع متفاوت و متضادی را در منطقه دنبال می‌کنند. دوم آنکه بین اروپا و آمریکا در مورد آینده تحولات در ایران، اختلاف ارزیابی وجود دارد و در حالی که اروپا بنا بر فروپاشی قریب الوقوع جمهوری اسلامی نمی‌گذارد، واشنگتن به ایجاد تحولات سیاسی بنیادین در ایران امیدوار است. و بالاخره این فرضیه که اروپا و آمریکا در تنظیم سیاست‌های خود در قبال ایران، دست به نوعی تقسیم کار زده‌اند: اروپا امیدوار است با استفاده از اهرم فشار آمریکا، در ایران تغییرات مطلوب غرب را ایجاد کند.

شواهدی بر صحت هر سه فرضیه، لا اقل تا حدود معینی، وجود دارد.

در اینکه اپوزیسیون ایران باید از شرایط بین المللی برای مبارزه خود در راه برقراری دموکراسی در کشور و نجات ایران از شدیدترین بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تاریخ معاصر کشور بهره گیرد، تردیدی نیست. اما در حال، اپوزیسیون ایران باید با آگاهی از مقاصد و اهداف قدرت‌های خارجی در سیاست‌شان در قبال ایران به این تلاش‌ها دست زند. واقعیت‌ها نشان داده است که امر استقرار دموکراسی در ایران و اعتراض به نقض حقوق بشر، در مرکز توجه حکومت‌های غرب، چه اروپا و چه آمریکا قرار نداشته است. نه کشتار اسلام‌شهر را اعتراضی را برانگیخت و نه تهدید نویسندگان به انتقام. اگر دولت‌های غربی بر ضرورت رعایت حقوق بشر در ایران تأکید می‌کنند، این امر تنها از آن رو است که افکار عمومی در مقیاس ملی و بین المللی، چنین انتظاری از آنها دارد. اپوزیسیون ایران می‌تواند و باید این ادعاها را ملاک سنجش عمل دولت‌های غربی قرار دهد و از آنها، دفاع از حقوق بشر در ایران را بطلاند. اما چشم امید داشتن به امزاده‌هایی که از آنها معجزه‌ای جز دالوگ انتقادی یا تحریم اقتصادی بر نمی‌آید، شایسته اپوزیسیون ایران نیست.

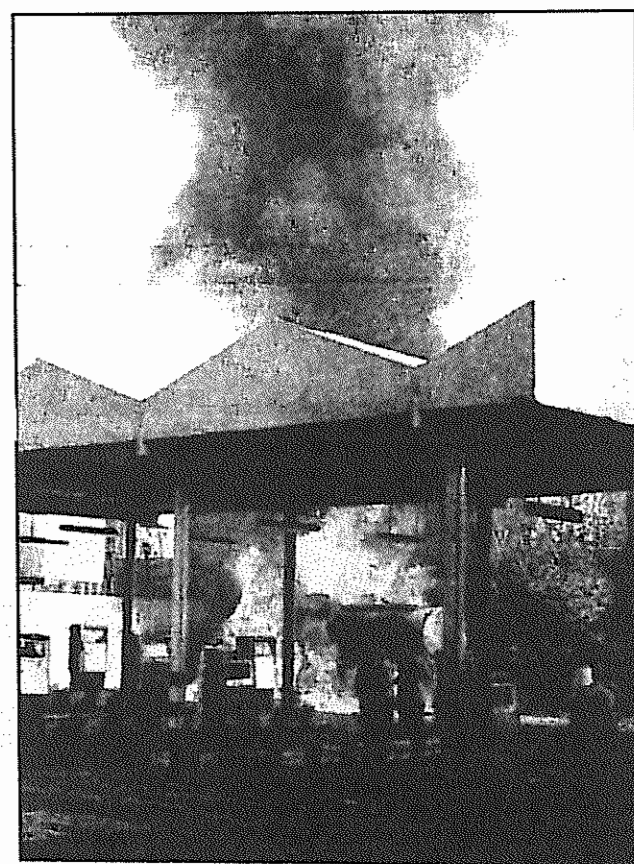
متأسفانه، بخشی از مخالفان رژیم ولایت فقیه به این واقعیات توجهی ندارند. آنها که همچون مجاهدین با هلهله و پایکوبی از تحریمی که مهم‌ترین نتیجه آن، افزودن بر ابعاد فلاکت اقتصادی و محرومیت‌های مردم است، استقبال می‌کنند، و یا چون برخی از طرفداران سلطنت، از اینکه در رقابت با مجاهدین جهت جلب حمایت نمایندگان کنگره آمریکا باخته‌اند، از خشم به خود می‌پیچند، فراموش می‌کنند که مخربترین کار آنست که از عامل خارجی در رقابت با یکدیگر و برای تضعیف دیگری و تقویت خود استفاده شود. مسئولیت این نیروهای سیاسی، آن است که از موضع منافع مردم ایران به ارزیابی و در صورت امکان، استفاده از سیاست‌های قدرت‌های خارجی در قبال ایران بپردازند و به جای چشم دوختن یکجانبه به عوامل خارجی، یگانه راه غلبه بر استبداد و برقراری حکومت مردم در ایران را که همانا وفاق و همکاری ملی است، دریابند.

در اینکه منافع اروپا و آمریکا در خاور میانه صد درصد بر هم منطبق نیست، تردیدی وجود ندارد. آمریکا، پس از تلاشی شوروی و به ویژه پس از ازپای در آمدن عراق در جنگ کویت بدین سو در کشورهای عربی جای پای محکمی برای خود دست و پا کرده است و فعلاً نه تنها نیازی به قدرت‌های احتمالی منطقه‌ای مانند ایران و عراق ندارد، بلکه می‌خواهد چنین کشورهایی هر چه ضعیف تر باشند تا متحدان آمریکا را "مجدوب" یا "مقهور" خود نکنند. این، محور سیاست "مهاردوگانه" است. در مقابل، قدرت‌هایی مانند آلمان و ژاپن تا کنون در خاور میانه که به لحاظ منابع مواد خام و موقعیت ژئوپلیتیک آن، حائز اهمیت دراز مدت است، جای پای محکمی نداشته‌اند و می‌کوشند در این عرصه از رقیب آمریکایی خود عقب نمانند. تلاش جمهوری اسلامی برای خروج از انزوا، فرصت مناسبی است برای اروپا که از تهران امتیازات دراز مدت بگیرد. بدون شک شکل سروسامان دادن به مسئله رشدی در مقایسه با این امتیازات دراز مدت، حائز اهمیت کمتری است.

اما فرضیه اختلاف ارزیابی نیز به کلی منتفی نیست. همانگونه که در ارزیابی از مجاهدین، بین محافل مختلف درواشنگتن اختلاف وجود دارد، این امر نیز که در چه ابعاد زمانی می‌توان برای ایران، آینده‌ای بدون جمهوری اسلامی تصور کرد، می‌تواند موضوع تفاوت‌های جدی در تحلیل باشد.

برای فرضیه تقسیم کار در نحوه برخورد به ایران نیز می‌توان دلایلی بر شمر، از جمله اینکه کل غرب در پایان دادن به سیاست صدور انقلاب جمهوری اسلامی اشتراک منافع دارد و از وسائل مختلف - از تحریم گرفته تا تمديد مهلت بدی‌های جمهوری اسلامی در آزادی قول‌های مساعد - برای تحقق این هدف استفاده می‌کند. این نکته نیز قابل توجه است که در اجلاس سران هفت کشور صنعتی غرب در هفته گذشته، کلینتون دست به تلاش چشمگیری برای پیشبرد سیاست تحریم ایران نزد قابل تصورات است که آمریکا نیز مانند اروپا منتظر پاسخی است که قرار است فرستاده جمهوری اسلامی در هفته آینده با خود به اروپا بیاورد.

## آتش سوزی در یک پمپ بنزین در تهران



خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه روز دوشنبه ۱۵ خرداد آتش سوزی در یک پمپ بنزین در خیابان مجاهدین اسلام در تهران روی داده است. در این گزارش علت حادثه نامعلوم اعلام شده است. اما سازمان "پایک خرم دین" اعلام کرده است که علت آتش سوزی، بمب گذاری افراد این سازمان در پمپ بنزین و در راستای مخالفت با جمهوری اسلامی بوده است. بر اثر این آتش سوزی خسارات شدیدی به یک تانکر سوخت رسانی و چندین خانه ی مسکونی که به گفته ی رئیس آتش نشانی نکات ایمنی و حدود پمپ بنزین را رعایت نکرده بودند، وارد شده است.

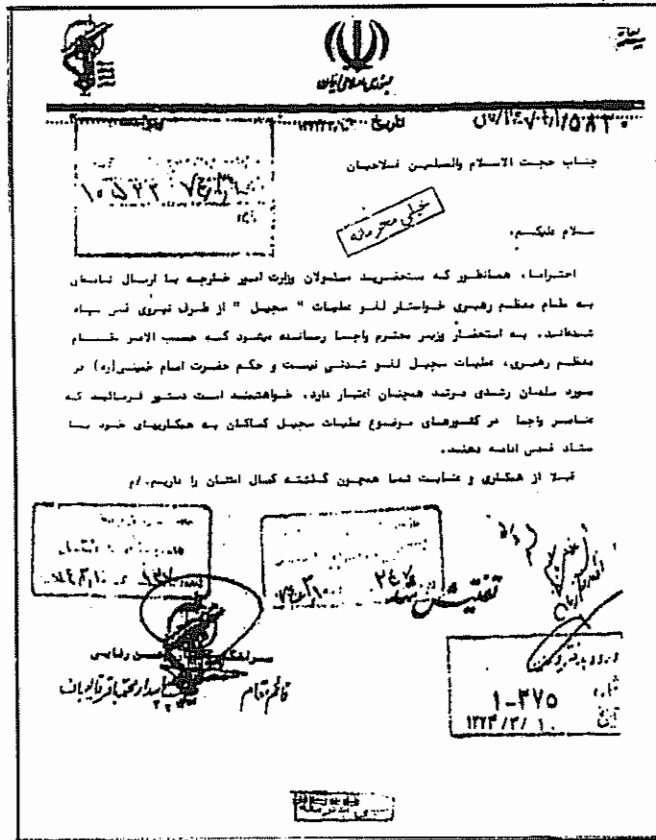
نامه ای که در تهران دست به دست می شود

### سپاه پاسداران:

### سلمان رشدی را می کشیم!

بند نبال مصاحبه محمود واعظی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مورد فتوای قتل سلمان رشدی، در ایران تصویر نامه ای دست به دست می گردد که مطابق آن عده ای از مقامات بلند پایه سپاه خواهان ادامه عملیات سنجیل، نام رمز عملیات ترور سلمان رشدی، شده اند. واعظی در مصاحبه با آژانس های خبری اروپا گفته بود رژیم اسلامی طی سالهای گذشته کسی را برای کشتن رشدی اعزام نکرده است و از این پس نیز اعزام نخواهد کرد.

در نامه "خیلی محرمانه" که امضای قائم مقام سپاه سرتیپ پاسدار محمد باقر قالیباف را دارد و خطاب به فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری نوشته شده است، تاکید شده است که "عملیات سنجیل" لغو شدن نیست و از وزارت اطلاعات خواسته شده است که کماکان به همکاری خود با "ستاد قدس" ادامه دهد. تصویر نامه فوق در زیر آورده شده است:



## نامه ۲۱۴ سینماگر برای لغو مقررات دست و پاگیر تولید فیلم در ایران

بیش از ۲۰۰ کارگردان و هنرپیشه سینمای ایران، در نامه ای از مقامات جمهوری اسلامی خواستند از مقررات دست و پاگیر اعمال کنترل دولتی بر تولید فیلم در ایران بکاهند. به گزارش روزنامه سلام، نامه مذکور که به امضای ۲۱۴ سینماگر و هنرپیشه رسیده است، خواهان حذف یا کاهش جدی مقررات دست و پاگیر و شیوه های پیچیده نظارت شده اند.

در میان امضا کنندگان نامه، اسامی کارگردانانی مانند ابراهیم حاتمی کیا و هنرپیشگانی از قبیل علی نصیریان دیده می شود. روزنامه رسالت در گزارش خود پیرامون این نامه نوشته است امضا کنندگان آن، هم با سینمای روشنفکری و هم با سینمای تجاری مخالفت کرده و نوشته اند که می خواهند برای تولید فیلم های "متمهد به ارزش های ایران اسلامی" کار کنند.

### مصاحبه ی خبرنگاران نوجوان با رفسنجانی

به مناسبت روز جهانی کودک، روزاول ژوئن (۱۱ خرداد) امسال چند خبرنگار نوجوان روزنامه ی آفتاب گردان، نشریه ای که در ایران برای کودکان و نوجوانان انتشار می یابد، با هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران گفتگویی ترتیب دادند که بازتاب گسترده ای از آن خالی از لطف نیست.

خبرنگاران نوجوان روزنامه ی آفتاب گردان دست نوشته های بچه ها را جمع آوری کرده و از میان آنها سؤالات خود را برای رفسنجانی مطرح می کردند.

در اوایل مصاحبه یکی از خبرنگاران از رفسنجانی می خواهد که خاطره ای از دوران کودکی اش تعریف کند و وی در جواب می گوید: "والله، هیچ وقت فکر نکردم کدام خاطره برایم جالب تر است. بیشتر خاطره ی اولین روزی که به مدرسه رفتم، برایم مانده. چرا که با برادرم رفته بودیم مکتب، برایم خاطره ی شیرینی بود آن موقع رسم بود برای مدیران هدیه می بردند. شما که هدیه نمی بردید؟"

خبرنگار: خب، همان درس خواندن همان هدیه است!

رفسنجانی: بله، ولی هدیه برای روزاول که می روید به مدرسه.

خبرنگار: روزاول دسته گل می بریم.

رفسنجانی: ما که رفتیم، همتان از شما بیشتر بود (؟) یک کله قند بردیم. آن موقع کله قند هم خیلی با ارزش بود زیرا جنگ جهانی دوم بود و ایران مشکلات زیادی داشت.

در ادامه یکی از خبرنگاران نوجوان به رفسنجانی گفت: از جمله سؤالاتی که بچه ها برای ما فرستادند که از شما بپرسم این است که: در کشور ما به پسرهای بیشتر از دخترها اهمیت می دهند و پسران می توانند از امکانات بیشتری مثل ورزش و تفریح استفاده کنند. آنها مثال آورده اند که دخترها حتی با لباس و پوشش اسلامی هم نمی توانند دوچرخه سواری کنند اگر می شود در این مورد برای بچه ها توضیح بدهید.

رفسنجانی: یک مقداری راست می گویند من دلم برای دختر بچه ها و اصولاً زن ها می سوزد. در کشور ما به خاطر مسائل عرفی یک مقدار خانم ها محدودیت دارند. محدودیت هایی که شما گفتید هست. یک مقدار حق است باید باشد. به هر حال زن طبیعتی دارد و خداوند طوری او را خلق کرده که باید یک چیزهایی را رعایت کند.

دانش آموز دیگری پرسید: شما بارها گفتید که چادر برای بچه ها الزامی نیست ولی باز هم در بعضی از مدارس چادر برای بچه ها الزامی می کنند.

رفسنجانی: آنها کار بدی می کنند. مدرسی که این کار را می کند افراطی هستند و اصولاً بیش از حدی که لازم است کسی حق ندارد حجاب را اجباری کند. ما اجباری کردن را مضری می دانیم چون نتیجه این می شود که علاقه نمی که باید خود بچه ها به چادر داشته باشند از شان گرفته می شود.

در ادامه یکی از خبرنگاران نوجوان می گوید: "بیشترین مشکل بچه ها که با ما تماس گرفته اند، گرانی بوده است. بچه های می گویند که مثلاً هزینه ی رفت و آمد ما به مدرسه ها یا لوازم التحریر، کتاب یا مثلاً قیمت خوراکی و بستنی و این چیزها بالاست. به نظر شما این مشکل بچه ها را چطور می شود حل کرد؟"

رفسنجانی: بچه ها چه می خواهند بخرند که برایشان مشکل است؟

خبرنگار: مثلاً همین ثبت نام مدارس، لوازم التحریر، کتاب و رفسنجانی: مگر موقع ثبت نام، مدارس از شما پول می گیرند؟

خبرنگار: بله پول می گیرند.

رفسنجانی: چقدر؟

خبرنگار: والله این رانمی دانم مثلاً برای سرویس از ما ۲۰ هزار تومان گرفتند.

رفسنجانی: شما کدام مدرسه می روید؟

خبرنگار: مدرسه ی راهنمایی گشتاسب.

رفسنجانی: خب، خصوصی

### خبرهای کوتاه

#### مقررات فروش و انتقال ارز برای دانشجویان

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی دستورالعمل مربوط به مقررات فروش و انتقال ارز به دانشجویان ایرانی بورسیه و ارزبگیر مشغول تحصیل در خارج از کشور اعزامی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی صادر و به بانکها ابلاغ شد. نرخ ارز بر داختی هر دلار برای دانشجویان معادل ۱۷۵۰ ریال می باشد.

#### تعداد مدارس خصوصی ۵/۲ برابر می شود

مدیر کل آموزش و پرورش تهران ضمن اعلام هزینه ثبت نام مدارس غیرانتفاعی شهر تهران گفت که در حال حاضر ۲۰۰ مدرسه غیرانتفاعی (خصوصی) در تهران فعالیت می کنند که مجوز فعالیت ۲۰۰ مدرسه غیرانتفاعی دیگر نیز صادر شده است. وی مدارس تهران را به چهار دسته مدارس غیرانتفاعی، دولتی، نمونه مردمی و نمونه دولتی تقسیم کرد. وی شهریه مدارس غیرانتفاعی در مناطق مختلف شهر تهران برای مقاطع ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را اعلام کرد. شهریه ها در مناطق مختلف با هم تفاوت دارند بعنوان مثال برای منطقه شمال غربی، شهرک غرب و گیشا مقدار شهریه برای ابتدایی ۷۵۰ هزار ریال، برای راهنمایی ۹۰۰ هزار ریال و برای دوره متوسطه یک میلیون و ۱۵۰ هزار ریال می باشد در صورتیکه این ارقام برای منطقه ۱۵، ۷۰ هزار، ۱۰۰ هزار و ۱۵۰ هزار ریال تعیین شده است. بگفته وی مدارس دولتی فقط می توانند مبلغ هزار ریال بعنوان بیمه حوادث از دانش آموزان دریافت کنند.

#### مجتهد شبستری امام جمعه موقت جدید تبریز

طی حکمی از طرف خامنه ای محسن مجتهد شبستری (برادر محمد مجتهد شبستری) بعنوان امام جمعه موقت تبریز و نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی منصوب شد. ملکوتی امام جمعه قبلی تبریز قرار است برای کار در حوزه علمیه به قم منتقل شود.

#### محمد علی جمالزاده در بیمارستان بستری شد.

محمد علی جمالزاده پدر در استان نوبسی جدید ایران بعزت بیماری ضعف به بیمارستانی در شهر زنوز منتقل شد و در حال اغما بسر می برد. نویسنده کتاب معروف "یکی بود، یکی نبود" ۱۰۲ سال سن دارد و از حدود ۷۰ سال قبل در شهر زنوز سوسیس زندگی می کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه وی علی رغم کهولت سن تا قبل از انتقال به بیمارستان به نامه های که از نقاط مختلف جهان می رسید پاسخ می گفت.

#### میزان مجاز کالای همراه مسافران اعلام شد

بگفته مدیر کل گمرک مهر آباد کالای همراه مسافر (بجز اسباب سفرو لوازم شخصی) تا ارزش ۸۰ دلار و یکبار در سال با معافیت بازرگانی قابل ترخیص است. وی گفت کالا های بیش از این سقف فقط تا ۸۰ دلار دیگر آنهم با دو برابر سود بازرگانی قابل ترخیص است. چنانچه مسافری بیش از این مقدار (معادل ۱۶۰ دلار) کالا همراه داشته باشد قابل ترخیص نمی باشد و در صورتی که اظهار شده باشد مسافر تا چاربا بد تا تحمل هزینه های نسبت به برگشت دادن آنها اقدام کند و چنانچه اظهار نشده باشد توسط بازرسی های گمرکی کشف شود مشمول تخلفات گمرکی می شود.

#### سیاستهای جدید ارزی و رکود صادرات فرش

مدیر عامل اتحادیه صادر کنندگان فرش اعلام کرد که سیاستهای جدید ارزی صنعت فرش و صادر کنندگان آنرا با شوک مواجه کرده است به گونه ای که آمادگی صادرات فرش را با توجه به شرایط حاکم از دست داده اند. وی اضافه کرد که در صورت عدم پذیرش پیشنهادات اتحادیه صادرات فرش با توجه به شرایط فعلی بار رکود مواجه خواهد شد. از طرف دیگر معاون بازاریابی مرکز توسعه صادرات ایران با تاکید بر اجرای سیاستهای جدید ارزی و صادراتی دولت گفت که برداشته شدن تعهد و بیمان ارزی از صادرات فرش موجب اشباع شدن این کالا در بازار شده و در نتیجه کاهش قیمت آنرا بدنبال داشته است.

#### احداث پالایشگاه نفت در پاکستان

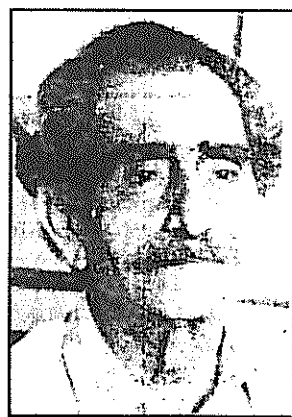
آقازاده وزیر نفت اعلام کرد که ساختن پالایشگاه نفت مشترک ایران و پاکستان مورد توافق دو کشور قرار گرفته است. بگفته وی قرار است این پالایشگاه با حدود یک میلیارد دلار سرمایه ساخته شود. وی همچنین گفت که ایران و پاکستان مذاکرات مربوط به ساخت خط لوله گاز را به پایان رسانده اند و قرار است با شرکت های خارجی برای مشارکت در این پروژه دعوت شود. این خط لوله گاز را از مخازن پارس جنوبی ایران به ایالت سند پاکستان خواهد رساند.

#### فروش ارز به بانکها اختیاری است

بانک مرکزی اعلام کرد که دولت خرید و فروش ارز خارج از شبکه بانکی ممنوع است اما مسافرانی که وارد کشور می شوند می توانند مقدار ارزی را که هنگام ورود داشته اند و در گذرنامه آنها قید شده است را از کشور خارج کنند.



### کمانچه بهاری خاموش شد!



استاد اصغر بهاری

اصغر بهاری، استاد برجسته ی موسیقی و کمانچه نواز چیره دست ایران روز شنبه ۲۰ خرداد (۱۰ ژوئن) در تهران چشم از جهان فرو بست و بدینسان گستره ی موسیقی ایران در ظرف سه سال اخیر پس از احمد عبادی و جواد معروفی یکی دیگر از برترین چهره های خود را از دست داد.

استاد بهاری سال ۱۲۸۴ در تهران زاده شد و در پانزده سالگی در نواختن کمانچه به مهارت رسید. کمانچه در دهه های اول سده جاری با ورود ویلون تا حدودی از صحنه خارج شده بود، لیکن تلاش و جدیت بهاری در اجرای دل انگیز این ساز و تربیت تعداد زیادی شاگرد توسط وی مانع انزوا و فراموشی کامل این ساز شد. کار بهاری در کمانچه نوازی به حدی بالا گرفت که سال ۱۳۳۲ به رغم یک تازی ویلون نواها، به رادیو دعوت شد و روزهای دوشنبه هر هفته با صدای دلنشین و شور انگیز ساز خویش بسیاری را به شنیدن نوا کمانچه علاقه مند نمود.

استاد بهاری برای تقویت امکانات موسیقایی کمانچه سیمی به سیمهای آن اضافه کرد و با حضور در کنسرت های داخل و خارج از کشور استادی خود را به خوبی به نمایش گذاشت. وی در مرکز حفظ و اشاعه ی موسیقی ایران "شاگردان بسیاری تربیت نمود که علی اکبر شکارچی، سعید فرج پوری و... از برترین چهره های آنها به شمار می روند. محمدرضا شجریان نیز بخشی از دانش و مهارت های آوازی خویش را مدیون آموزش های کمانچه نواز فقید ایران است.

### داستان فراموش شدگان

گفتگویی با محمد شگری، نویسنده معروف مراکش

شخصی و طبقه ای است که از آن برخاسته ام. من نه نویسنده ای جهانی ام و نه حتی نویسنده ای مراکشی، بلکه تنها قلمزنی از اهالی طنجه ام. البته این حرف نه طنینی نژاد پرستانه دارد و نه به گرایش های ناسیونالیستی آلوده است. من با دیدگاه خاص خود درباره رمان، برای تمامی بشریت می نویسم. این دیدگاه هم مدیون کتابهای هستم که خوانده ام. برای من نه در تاریخ و نه در سن و فرهنگ استمرار و پیوستگی وجود ندارد، ناپیوستگی و استقلال داستانها و طرحهای کتابهای من که شما به آن اشاره کردید نیز محصول همین دیدگاه است.

تاتس: منظورتان کدام گسست ها و ناپیوستگی ها هستند؟ شگری: از استقلال مراکش در سال ۱۹۵۶ شروع کنیم که احساس و به همه افشار اجتماعي نیز سرایت کرد. بالاخره ما حق آموزش پیدا کردیم و اجازه یافتیم که خواندن و نوشتن بیاموزیم. اگر استقلال نبود شاید کار من هم به اعتیاد و بزهکاری می کشید. استقلال ما را بیدار کرد و فکر رفع فقر و محرومیت را به سرمان انداخت. خود من حتا تاریخ تولدم را جعل کردم تا برای دبستان ثبت نام کنم. زیرا با ۲۱ سال سن کسی را به مدرسه راه نمی داد.

تاتس: در کتاب "نیز بسان کتاب" آن بیخوش را به رابطه با پدر و مادریکی از ناعادلانه خانوادگی که شما توصیف کرده اید، در مراکش امروز نیز وجود دارد؟ شگری: مادر من در خانواده یک قربانی بود. من هیچگاه ندیدم پدرم همچون او کارهای سخت و طاقت فرسا انجام دهد. در حالی که مادرم رنج و سختی می کشید، پدرم از این کافه به آن کافه می رفت تا در باره فهرمانی های پیش در جنگ داخلی اسپانیا و اراجی کند و حرف های بی بند و باری که جز لاف و گراف چیز دیگری نبود. این ساختار پدرسالارانه هنوز هم در مراکش برقرار است. هنوز هم اینجا کار زن ها سخت تر و پرنج تر از مرد ها است. البته این مشکل تنها مربوط به زنان نیست، بچه ها نیز از آن در رنجند. مرد ها بچه تولید می کنند تا بپری خود را تضمین کنند، بعد که بچه ها بزرگ شدند یکی را به قتل و دزدی می فرستند و دیگری را به گدایی وامی دارند. در واقع در برخی از محافل اجتماعی بچه ها تنها وسیله و ابزارند. منظورم محافل هستند که یک روز مجوزی برای خوردن دارند و روز بعد دوباره هشتاد نفر گرسنه اشان است.

انسان هم سرنوشت را به تصویر می کشم، و هنگامی که درباره یک فاشه می نویسم صداها فاشه را در ذهن خود مجسم می کنم. در واقع کار من نوشتن درباره انسان های فراموش شده ای است که در تاریخ نویسی رسمی ذکریشان آنها به میان نمی آید.

تاتس: نخستین بخش داستان بلند شما، "تان بی خورش"، در غرب و یویژه در اروپا و آمریکا سردرگمی و شگفتی گسترده ای را در اطراف خود پیرامون مراکش شک و تردید کند. شگری: بله، فقر و بدبختی توصیف شده در کتابهای من بسیاری را که از مراکش تنها سرزمین هزارو یک شب را در ذهن داشتند به شک و تردید دچار کرد، زیرا در این کتابها فقر و فلاکت مراکش در دوران پیش از استقلال را به تصویر کشیده شده است. امروز ما فقر دیگر به آن شکل وجود ندارد و بچه ها دیگر نه برای نان بلکه برای پول گدایی می کنند. در واقع بدبختی ابعاد دیگری به خود گرفته است.

تاتس: "دوران خطا" همچون "تان بی خورش" رمانی بسته و محدود نیست و با خودزیست نگاری های (autobiography) کلاسیک هم شباهتی ندارد. این کتاب از چندین طرح و داستان درهم تنیده و در عین حال مستقل تشکیل شده است. خود شما کتابهایتان را دارای چه سبکی می دانید؟ شگری: راست من به قواعد و معیارهایی که می گویند ساختار رمان یا داستان کوتاه یا نثر را با آن گونه باشد اهمیتی نمی دهم. از این رو برایم مهم هم نیست که کتابهایم دارای چه سبکی هستند. کار من نوشتن در باره محیط و تجارب می نویسم گویی که کودکی هزاران

محمد شگری در کنار طاهر بن جلون و فاطمه مرینیسی از نامدارترین نویسندگان مراکش به شمار می رود. دو کتاب معروف، شگری که به اکثر زبانهای خارجی ترجمه شده اند یعنی "تان بی خورش" و "دوران خطا"، رمانهایی هستند که در آنها هستی انسانهایی گرفتار در چنگال فقر و ناداری ترسیم شده و زوایای اجتماعی و خانوادگی به تصویر کشیده می شود. شگری که اینک پانزده شصت سالگی نهاده در شهر طنجه مراکش زاده شده و به سبب فقر و ناداری تا بیست و یک سالگی سواد خواندن و نوشتن نداشته است. او تازه در این سن پایه مدرسه می گذارد و شانزده سال بعد نخستین کتاب خود یعنی "تان بی خورش" را می نویسد. این کتاب گرچه در مراکش توقیف شد اما با ترجمه آن به فرانسه توسط بن جلون، در لیست کتابهای پرفروش جا گرفت و به بسیاری از زبانهای دیگر نیز ترجمه شد. از این کتاب هم اکنون در ایتالیا فیلمی در دست تهیه است.

آنچه که در پی می آید بخش هایی از دو مصاحبه است که روزنامه های تاتس ۳۰۱ جولای ۱۹۹۴ و فرانکفورتر روندشاو ۲۵ مارس ۱۹۹۵ با شگری انجام داده اند.

تاتس: آقای شگری! شما جزء معدود نویسندگان مراکشی هستید که در آثارشان به توصیف فقر و نابسامانی ها می پردازند. جهان آثار شما عرصه حضور الکلی ها، فاحشه ها و کارگران فصلی است. چه چیزی شما را به سرنوشت این اقشار حاشیه ای علاقه مند می کند؟ شگری: من درباره این قشر می نویسم، زیرا خود نیز محصول آنم. دنیای من، دنیای زرد و فواخس است. آنچه که من توصیف می کنم فقر و فلاکتی است که با پوست و گوشت خود تجربه کرده ام. هنگامی که درباره کودکی خود می نویسم گویی که کودکی هزاران

چرخش صد و هشتاد درجه ای حاجی یعنی جهش اواز قطب مخالف به قطب موافق، در اثر تجربه شرکت وی در بازیگری، تماشای فیلم در مئون سینمای اولیه ایرانی نیز می توان عملکرد آنها را تشخیص داد. با بازخوانی سومین فیلم داستانی بلند ایرانی، "حاجی آقا آکتور سینما" (۱۳۱۱) که توسط آوانس اوگانیانس ساخته شد، متوجه جریان پیدا شدن هويت منفصل که هم شیفتگی روانی و هم تناقض اجتماعی ای که سینما بوجود می آورد، می شویم. در این فیلم حاجی آقا که یک مرد مذهبی و سنتی است با سینما مخالف است. بطور کلی داستان فیلم راجع به تحولی است که در نظرگاه حاجی در اثر دیدن تصویر خود بر پرده سینما رخ می دهد. واقعه ای که وی را از یک مخالف با سینما به یک شیفته و مبلغ سینما تبدیل می کند. در اواخر فیلم، حاجی حرف او را تصدیق کرده جواب می دهد: "صحیح است. سینما یکی از مهمترین وسایل تربیت و تهذیب اخلاق عمومی است. چون من از این راه علاج شد. از امروز تمام قوای دماغی خودم را وقف این صنعت میکنم. (۲۹) در آخرین صحنه تماشاگران برای بازیگری حاجی و تغییر عقیده وی دست می زنند. این

### در پیوند با صد سالگی سینما

### سینما و هویت ملی

حمید نفیسی به نقل از مجله کنکاش قسمت آخر

ایرانیان در مقابل غریبان، و بدست آوردن حمایت دولتی زمانی برای فیلمها نشان استفاده می کردند. اضافه کردن مقدمه و مخره ای به اولین فیلم ناطق فارسی، "دختر لر" (۱۳۱۱) ساخته عبدالحمین سینتا و اردشیر ایرانی، که در آن ایران امروز با ایران دپروز مقایسه می شود و به ترقیات مملکت در دوران رضاشاه اشاره می شود را باید جزئی از این استراتژی بشمار آورد.

تا نیرم مناقض سینما را نه تنها در درون افراد، دریافت اجتماع و یاد در متون سینمایی می توان مشاهده کرد، بلکه می توان آنرا در ادبیات مدرن و در دیدگاههای نویسندگان متجدد نیز دید. رضا براهنی در دوران جنگ دوم جهانی در سنین ۸ یا ۹ سالگی برای اولین بار در میدان در شهر تبریز با پرده سینما روپرو می شود. نگارنیتهایی که این نگرش بر پرده در وی و به قول او احتمالا در غلامحسین سعادی هم وجود آورد بی شباهت به تاثیر سینما بر صحافیاشی، مظفرالدین شاه، جمالزاده، معتضدی، و هویدا نبود:

حرف کلی این گفتار می خواند اینست که فرم لالبازی های ساعدی تحت تاثیر زبان بریدگی خود ساعدی بدست آمده بدین ترتیب که ساعدی حق نداشت از زبان مادری خود (ترکی) استفاده کند و در عین حال او تسلط کافی به زبان رسمی کشور (فارسی) نیز نداشت. در غیاب زبان دلخواه، ساعدی از فیلم الهام گرفت و زبان تصویری سینمای صامت چاپلین را در لالبازی های خود چاشنید و زبان نوشتار کرد که با آنها مشکل داشت. این موضوع احتیاج به پژوهش بیشتر و عمیق تری در کارهای ساعدی دارد تا چگونگی این جریان جانشینی روشنتر شود، اما اگر این حرف درست باشد آنگاه ما به یک مورد دیگر از طرز زبانی که هنرمندان ایرانی از سینما برای تعیین هویت شخصی و ادبی خود استفاده کرده اند خواهیم رسید.

در آخر بعنوان جمع بندی باید گفت که بررسی شنش متن شاهد از تماشاگران، دومورد از سرگذشت سینماگران، و فیلم "حاجی آقا آکتور سینما"، همگی نشان می دهند که ورود سینما به ایران یک جریان یکطرفه و تزویفی که غرب گرایی را کامل و در بست به همراه نهاد های دیگر اجتماعی و سیاسی وارد ایران کرده باشد نیست. بلکه از همان ابتدا سینما در یک مبارزه چند قطبی درونی - شخصی و اجتماعی - فرهنگی بین خود و غیر، شرق و غرب، نحجرو تجدد، مذهب و لامذهبی گرفتار آمد که یک قطب آن یعنی تجدد خواهی بندریج بر دیگری

برتری گرفت و در سطوح مختلف اجتماعی رسوخ کرد. در عین حال همانطور که دیدیم این برتری شامل بدنه استانیها، تنش ها و میادلهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زیاد بود که به یک برتری کامل و تام و تمام نینجامید چرا که در طی آن که خود کاملاً با غیر شد و نه توانست به گذشته یا به خود سنتی بازگردد. سینما چون بسیاری دیگر از نهاد های مدرن و مدرنیسم در فردیت یافتن ایرانیان یعنی در تجدید خود و پذیرش تجدد شرکت داشت. اما این خود جدید دیگر نه آن خود آمیخته است که از خود های مختلف که در تلاقی، همسانی، و انفصال دایم یا یکدیگر هستند تشکیل شده است. این خود یا هویت متناقض، هم امکان آزادی و بازی و هم مسئولیت خود سازی را در اختیار فرد می گذارد. در چنین وضعیتی، هویت دیگر عنصری یا چیزی بیکارچه نیست بلکه "جریانی" است موقتی و قابل تغییر. در چنین شرایط ناپایداری، هم عشق به آزادی و رهایی و هم عطش بازگشت به ریشه ها و ثبات، هم امید به آینده و هم غم غربت و غبطه خوردن به گذشته محتوای جنبش های اجتماعی و کارهای ادبی و سینمایی عصر خود می شوند.

+++++

به علت محدودیت صفحات نشریه و تعداد زیاد پانویس ها از درج آنها معذوریم. خوانندگان علاقه مندی می توانند به نشریه کنکاش شماره ده رجوع کنند.

مصاحبه نشریه "کار" با گروهی از شخصیت های ملی و چپ کشور

بیرامون

اوضاع سیاسی ایران، تحریم آمریکا، نامه ۸۶ نفره و وظایف نیروهای دموکرات

کار در ارتباط با اوضاع سیاسی کشور، تحریم آمریکا، انتشار نامه ۸۶ نفره و وظایف نیروهای دموکرات در اوضاع و احوال متحول کنونی، با گروهی از شخصیت های سیاسی ملی و چپ کشور مصاحبه هایی انجام داده است که از این شماره به تدریج درج خواهد شد. هدف این مصاحبه ها آشنایی بیشتر با نظراتی است که در طیف نیروهای دموکرات کشور وجود دارد و همچنین کمک به راه جویی مشترک این نیروها برای انجام وظایفی است که در این مصاحبه ها از آن ها سخن رفته است.

مهرداد ارفع زاده

تحریم اقتصادی آقای کلینتون نمی تواند سبب سقوط دولت اسلامی شود. این تحریم هر چند اقتصاد بحران زده ایران را با مشکل بازگانی روبرو می سازد به بازگانی آمریکا هم صدمه وارد می آورد. اما پی آمد مهم دیگری هم دارد. ما مردم ایران نشان داده ایم در برابر فشار بیگانگان، حکام ستمگر خود را تحمل می کنیم و همصدای اجنبی نمی شویم. نمونه های تاریخی بسیار است نه تنها در جنگ عراق علیه ایران، بیشتر از آن اشغال ایران از سوی متفقین که به سلطه استبداد رضا خانی پایان بخشید هم با خوشنودی و پذیرش مردمی همراه نبود. قبل از آن نیز انقیاد و تسلیم و تجا زور روس و انگلیس به سازگاری مخالفان در مجلس ملی و حکومت مهاباد در جنگ اول انجامید که حتی احمد شاه و صدراعظم ایران مستوفی هم آنرا می پذیرفتند و همراهی اش می کردند.

امروز هم مخالفان ملی و مذهبی حکومت فعلی خواستار سقوط حکومت با اعمال نفوذ آمریکا و اسرائیل نیستند و پی آمد های سیاسی چنین رویدادی را زایا بخش تر از ماندن کاری موقت وضع حاضر می دانند.

من مبارزه مسالمت آمیز نیروهای داخلی ناوابسته را اهتسگام می بینم و جز آن را دچار ساختن ایران به روزگاری که در الجزایر و یوگوسلاوی سابق مجبوراً دیده می شود می دانم.

در برابر تحریم اقتصادی آمریکا باید همه ایرانی ها خونسرد باشند آمریکا ابر قدرت است اما این ابر قدرت نیز قادر به انجام همه کار نیست. بهترین کار آمریکا که به سود ملت ما و ملت آمریکا است عدم دخالت در کار داخلی ایران است و رها کردن ما موبوهای بی مقدارش که می شناسیم.

س: در نظر شما وظیفه نیروهای اپوزیسیون دمکرات چیست؟

ج: برداشت من از آنچه شما اپوزیسیون دمکرات می نامید، مخالفین ناوابسته جمهوریخواه جمهوری اسلامی است. من مدتها کوشیدم دمکرات های دیگر را که جمهوریخواه نیستند بیابم و گرد آورم اما در عمل ثابت شد این جستجویی نتیجه و این کار اشتباه است. هنوز تعداد جمع شدگان در پاریس به پانزده تن نرسیده بود که یکی از آنها با همکاری دو تن دیگر به دیدار پنهانی ما مور سیار رفت و دیگری به اتفاق سه تن به دیدار پنهانی ما آقای رضا پهلوی مشغول شد و آشکار گشت که مشروطه خواه و سلطنت طلب نه در سر انجام کار که در آغاز حرکت در بازماندن خانواده پهلوی به هم می رسند و زود نه در برابر جریانی خود راهمراه میابیم که سرور داشتن با سیار غیب نمیداند که هنر می بیند دارد جریانی که همه خصوصیات وابستگی و فساد نظام گذشته را داراست بقول معروف اگر در این گونه سلطنت طلب و مشروطه خواه بدستی بنگریم با هر آنچه گذشته است به آسانی در میابیم نه چیزی آموخته اند نه چیزی را فراموش کرده اند معیار شناسایی اپوزیسیون دمکرات علاوه بر ویژگی های مردم سالاری در جامعه ما این نیز هست که بتوانند در آزادی به مردم ایران بگویند: از کجا آمده اند؟ و از کجا آورده اند؟

وظیفه اپوزیسیون دمکرات ادامه خستگی ناپذیر مبارزه مشکل، طولانی و ظریف و حساس مسالمت آمیز است. جبهه ملی ایران از ناتوانی یا سهل انگاری شیوه مبارزه مسالمت آمیز رابرنگزیده است. ملی ها با وارد کردن که مبارزه قهرآمیز، مبارزه مسلحانه و نیز آن گونه دگرگونی ها را خواستند که با نیروی آمریکا و اسرائیل و دیگران انجام شدنی است سازگاری مصالح ملی نیست و با ایرانی دوستی که درونمایه ایران دوستی است همساز نخواهد بود. هیچ ایرانی دوستی نمی خواهد برای سالها ایران مزرعه کشت بمب و صحنه درگیری های خونین باشد.

در مبارزه مسالمت آمیز دو قاعده اصلی را نباید از یاد برد، باید بندهای اختلاف را سست کرد و گسست همزمان با یاد اهر کار که عوامل تشدید اختلاف را توانا می سازد خودداری ورزید.

نیروهای مردمی و دمکرات که در جمهوریخواهی تبلور یافته اند و جمهوری را بی پیشوند و پسوند میخواهند ناگزیرند شیوه های سیاسی که بیان و عمل مناسب با این دو قاعده باشد برگزینند و بکار گیرند. باید نیروهای داخلی را حمایت کنند و آنها را واردانند و گاه مجبور سازند تا با هم سازگارشوند یا دستکم به سازواری کوتاه مدت

تن در دهند و در برنامه های عملی، نه آرمانی، در حدود توان ملی توافق کنند. باید بیان خارجی آنها باشند و حمایت جامعه های آزاد بخواره جهان را بسود ایرانی آزاد و آزادی ایرانی جلب کنند.

این همه در قدم اول به ایجاد ستاد یا مرکزی برای همسازی جمهوریخواهان می انجامد تا مقدمات تفاهم برای جبهه جمهوریخواهان در عمل فراهم آید. در مرحله بعد است که جبهه ای، ملی و نوسازی شده با مدیریت سیاسی یا کفایت می تواند در بیرون ایران نیز پدید آید و مکمل نیروی اصلی درون مرز باشد.

حمایت نیروهای درون مرز هیچگاه نباید بی قید و شرط و بی اما و اگر باشد. همه باید بهوش باشند که در گرما گرم مبارزه ای که هر روز با پدید آغ و ترکوستند تر و

وضعیت کنونی سیاسی کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

وضعیت سیاسی کنونی ایران از جهات مختلف بر کسی پوشیده نیست: انقلاب بهمین ۱۳۵۷ نیز نظیر انقلاب مشروطه به استقرار حکومت قانون و حاکمیت ملت مردم منتهی نشد، در میان این دو انقلاب که در نظام سیاسی را به دست مردم سرنگون کرد. به نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز که هدفش ایجاد تحول سیاسی از درون نظام به شیوه مسالمت آمیز و گام به گام و به کمک مشارکت مردم در انتخابات بود به شکست انجامید و نتیجه ای هر سه جنبش بر آمدن دولتی خود کامه بود که مردم را به طور مطلق از صحنه حیات سیاسی کشور بیرون راند. بنابراین سابقه، وضعیت سیاسی کشور را پس از شانزده سال استبداد مطلق و خود کامه نظیر دوران آخر حکومت قاجار و سلطنت پهلوی میتوان در این جمله و فرمول خلاصه کرد که رژیم و حکومت قادر به حکومت کردن نیست و مردم اداره کشور پذیر نیستند. این همان وضعی است که در اوایل دوران سلطنت قاجار و اوایل دوران سلطنت پهلوی بر فضای سیاسی کشور جریه شده بود. شانزده سال پس از انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی، هنوز رژیم در مرکزیتی مسلط بر قوای سه گانه مجریه و قضائیه و مقننه به سبک دیکتاتوریهایی سنتی و کلاسیک مستقر نشده است، و این نمودار این واقعیت است که رژیم ولایت فقیه حاکمیت و کفایت استفاده از اهرمهای شناخته شده دیکتاتوری را نیز برای ایجاد تمرکز در قدرت و نظام خود کامه ندارد. دلیل این ناتوانی ذاتی نیز در این نکته است که گروه آخوند های پیرامون خمینی بر اساس تفکر محوری رهبر و امام امت، بر اصل ولایت و امامت، قدرت بدست آمده از انقلاب را به عنوان یک غنیمت جنگی تلقی کردند. در غنیمت جنگی همه چیز مغلوب برای غالب حلال است، به این جهت فساد در مفهوم عام کلمه به صورت هدف اساسی قدرت در شاخه های مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی کشور در آمده است.

نگاهی هر چند ساده و گذرا به وضع کنونی جامعه ایران و مسائل و مشکلات بحرانی آن و آمار و ارقام رسمی و مذاکرات و مصاحبه ها و نطق ها و سخنرانی ها و سفرها و ماموریت ها و صداها و مظاهر دیگر ناشی از حکومت ملامها خود ما را از کرموارد هر چند کلی و عمومی مربوط به فساد که قالب اساسی همه عملکردها و سیاست ها و برنامه ریزیها و تصمیم های رژیم جمهوری اسلامی است بی نیاز می کند.

رژیم اکنون در هیچ جهت، نه در سیاست داخلی و نه سیاست خارجی و اداری قدرت مدیریت و تصمیم گیری تضمینی و اجرائی نیست، و هیچ قدرت قضائی برای ضمانت امنیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، در حریم زندگی عمومی و خصوصی جامعه وجود ندارد.

این همه ضعف و ناتوانی و این همه شکست های پیاپی در دوران انقلاب بزرگ و یک نهضت عظیم ملی، علنی جز ضعف مزمن و تاریخی فرهنگی و عقب ماندگی مدنی و سیاسی و اجتماعی جامعه ندارد. دوام طولانی و مزمن استبداد و خود کامگی، سرشت و طبیعت فردی و اجتماعی افراد جامعه را نیز مسخر کرده است. در نتیجه انقلاب ها و جنبش های ناشی از طغیان ناراضی پنهان ها در جامعه ای که از نظر تفکر اجتماعی به استبداد و ستم پذیری عادت کرده هرگز به استقرار جامعه مدنی و حکومت قانون نینجامیده است. فضای سیاسی کنونی کشور امروز در انتظار وقوع یک حادثه است به حدی که ای از درون توده ها صورت شورش های عمومی یا از درون قدرت بصورت یک کودتا و ضربه، آنچه را که در تحول ذهنی و غریزی جامعه از بر خورد عملی یا آفات و بلاهای ناشی از حکومت مذهبی ملامها می توان انتظار داشت این است که سرانجام پس از

متنوع تر شود برای مارهبر یا رهبرانی نتراشند و تحمیل نکنند که تنها آرایش ظاهری نظام را دگرگون می کنند و میخواهند رژیم اعتقادی حفظ کنند.

هیچ ضرورت مبارزاتی نمی تواند پدید آید که اساس کار مبارزه در این دوره تاریخی را تحت الشعاع قرار دهد ما خواستار نظام غیرایدئولوژیک، رژیم غیر اعتقادی هستیم و می خواهیم دولت ها اگر اعتقادی یا ایدئولوژیک هستند در نظام بیطرف نسبت به اعتقادها بیابند و بروند. سرگشتگی های سیاسی پیشین که امروز را بنا آورده است نباید بازسازی شود. وظیفه نیروهای دمکرات در درجه نخست آن است که راه اصلی را در گرد و غبار میدان درگیری های سیاسی گم نکنند.

علی اصغر حاج سید جوادی

دهها سال تلاش و شکست خدا را به خدا سپارند و برای زندگی خود با فکر و اندیشه خود به راه حل مسائل و مشکلات خویش بپردازند.

ارزیابی شما از انتشار نامه ۸۶ نفر چیست؟

بیانیه ۸۶ نفر صرف نظر از هر گونه تعبیر و تفسیر متکی به اخبار یا شایعات، ناشی از تراکم ابرهای مثبت و منفی حامل بار الکتریکی در آسمان سیاست ایران است. تکرار و تعدد این گونه اعلامیه ها و مصاحبه های جمعی و فردی، باز هم آدمی را به یاد اوضاع آخر حکومت قاجار و رژیم پهلوی می اندازد که در حالی که رژیم هیبت و کرفر سالهای نخستین قدرت خود را از دست داده است و با اصطلاح دیگر حتی آن رنگی ندارد اما سانسور و نظارت بروسای ارتباط جمعی همچنان برقرار است و به این ترتیب صدور و تحریر بیانیه ها و اعلامیه های جمعی و فردی در دورانی آخر رژیم های خود کامه یکی از اعلامیه بارز نزدیک شدن ناراضی پنهان ها و خشم عمومی به مرزهای انفجار است، سوازی این تحلیل هر گونه تفسیر و تحلیلی از اعلامیه ۸۶ نفر به نظر من به اختلاف سلیقه ها و احیاناً به اغراض فردی و گروهی و یا اختلاف در کیفیت ارزیابی از اوضاع کشور بازمی گردد. طبیعی است که محتوای هر اعلامیه چه فردی و چه جمعی ناظر بر طرز تلقی امضا کننده یا امضا کنندگان اعلامیه از اوضاع سیاسی و نگرش و استنباط فکری آنها از شیوه حاکم مسائل ورود و روشی یا قدرت حاکم است. اما اصل و اساس مسئله در بیان علنی ناراضی پنهان های عمومی مردم است.

در این مرحله اهمیت در علنی بودن بیان ناراضی پنهان عمومی است نه در محتوای این بیان. در این مرحله دو مسئله اهمیت اساسی دارد: اول تداوم این حرکت از سوی گروه های دیگر اجتماعی جامعه است، مثلاً دانشگاهیان و روشنفکران و نویسندگان و اصناف هم باید با انتشار اعلامیه های جمعی و بیان ناراضی پنهان ها در حوزه خصوصی و عمومی فعالیت خود مردم را به ابراز صریح و علنی تر مشکلات خود تشویق کنند و دوم ایجاد همبستگی و نوعی ارتباط عینی یا رمی هموار کردن راه گفت و گو و تبادل افکار و پیش بینی راه های عملی همکاری است، اگر تجربه قبل از انقلاب بهمین ۱۳۵۷ را ملاک ارزیابی وضع کنونی قرار دهیم به این نتیجه می رسیم که در دوران قبل از انقلاب گروه های اجتماعی نمایندگان فکری و ایدئولوژیکی آنها در سازمانها و گروهها و احزابی که هرگز اجازه فعالیت قانونی و علنی نداشتند (نظیر نهضت آزادی - چریکهای فدائی مجاهدین خلق - جبهه ملی باصناف و بازار) همه با هم اما بدون ارتباط عینی و ارگانیک و بدون اشتراک نظر در شیوه ها و اهدافها، با رژیم خود کامه پهلوی مخالف بودند و در جهت این مخالفت نسبت به امکانات و نسبت به طرز تفکر خود مبارزه میکردند، در مسیر این مبارزه به سوی یک هدف واحد نه فقط متحد نبودند و یک مخرج مشترک عمومی از سر انجام این مبارزه نداشتند بلکه حتی تا سرحد خصومت نیز از یکدیگر جدا و پراکنده بودند و در نتیجه پس از انقلاب و سرنگونی دشمن مشترک به فضای سیاسی کشور از سوی آزاد بخواهان و عدالت طلبان ملی و دموکرات و چپ چنان گرفتار خلا و تهی از یک اراده مصمم و مشترک برای توافق بر سر دست گرفتن قدرت و حکومت شد که طبیعتاً خمینی در بیان شکل و شیوه مذهبی قدرت خود کامه ولایت، و تحمیل آن با استفاده از شوق و شور و اعتماد مردم و به ضرب زور و جفا و گلوله بکه تا میدان شد.

بنابراین ارزش اعلامیه ۸۶ نفر و دیگران اگر به اجتناب از تکرار آنچه که بر سر انقلاب مشروطه و نهضت ملی صنعت نفت و انقلاب بهمین ۱۳۵۷ از پراکنندگی نیروهای آزاد بخواه و عدالت طلب آمد منتهی نشود، از محدوده بیان علنی ناراضی پنهان های مردم به صدای بلند فراتر نخواهد رفت.

وظیفه نیروهای اپوزیسیون دمکرات در شرایط

کنون چیست؟

به نظر من برای نیروهای اپوزیسیون دمکرات شرایط کنونی جدای از شرایط آینده نیست. در دوران شاه، خمینی نه فقط از سال ۱۳۴۲ به مخالفت با رژیم برخاست بلکه پس از آن همراه با مخالفت، نظریه قدرت و حکومت را در چارچوب ولایت فقیه نیز مطرح کرد. این نظریه و تئوری قدرت پایگاههای اجتماعی و سیاسی خود را نیز قبل از تزلزل و نفوذ خمینی در طبقه متوسط داشت، یعنی مذهب بطور عام و تاسیسات و احکام آن (نظیر مسجد و محراب و منبر و مجامع و محافل مذهبی سیاسی و حوزه) اما حوزه عمل نیروهای مخالف غیر مذهب رژیم خود کامه پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرکوب های بی درپه ای حزب و سازمانهای چپ و ملی و دمکرات، به ابراز مخالفت با رژیم بدون هیچگونه طرح و برنامه سیاسی برای تصرف قدرت و اداره مملکت محدود شده بود. با توجه به اینکه نیروهای مترقی و متجدد غیر مذهب اعم از چپ و آزاد بخواند یا سوسیالیست مارکسیست و سوسیال دمکرات برخلاف ملاها دارای تاسیسات و پایگاههای عمل کننده در داخل توده ها و قشرهای اجتماعی نبودند و دیگر آنکه این نیروها در مواضع فکری و عقیدتی خود نیز بر خلاف آنچه ها که یک پارچه بودند، هیچگونه توافق و وحدت نظر نداشتند.

در شرایط امروز نیروهای مخالف رژیم در داخل و خارج به نظر من در شرایطی بهتر از گذشته، قرار دارند، و از ظواهر چنین برمی آید که امروز نیز بیش از دیروز، نیروهای مخالف رژیم خود کامه اسلامی فقط در یک موضوع توافق دارند، یعنی در مخالفت با رژیم. اما این مخالفت مبین وجود یک نیروی اجتماعی فعال و متشکل و داوطلب آماده برای مقابله با هر حادثه سیاسی و پوپر کردن خلاء ناشی از سقوط احتمالی رژیم اسلامی نیست.

با تمام تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی در درون جامعه ایران اگر بگوئیم در وضع فعلی اپوزیسیون دمکرات و در خارج از کشور در فردای تحول رژیم در داخل، سرنوشتی بهتر از سرنوشت کشف راسیون دانشجویان ایرانی در دوران شاه نخواهد داشت، شاید سخنی به گزاف نگفته باشیم.

و سئوال دیگر آن است که اصولاً یک اپوزیسیون غیر متشکل و پراکنده و فاقد هرگونه برنامه سیاسی و اجتماعی برای قبول مسئولیت اداره مملکت و به عنوان یک وسیله متشکل برای اعمال فشار بر رژیم چه نقشی میتواند بر عهده داشته باشد؟

موضع شما نسبت به تحریم اقتصادی ایران توسط

دولت کلینتون چیست؟

تحریم اقتصادی ایران بوسیله آمریکا با توجه به سوابق این گونه تحریم ها در کشورهای نظیر کوبا و یوگوسلاوی و لیبی و عراق در کوتاه مدت نسبت به وضعیت رژیم اسلامی ایران بی تاثیر است، از این گذشته رژیم اسلامی ایران اکنون با محدودیت درآمد های ارزی حداکثر تا چهارده میلیارد دلار در سال، خود عملاً کشور را در زمینه خرید های خارجی و واردات در نوعی محاصره اقتصادی قرار داده است. با این درآمد ارزی محدود سالانه به اضافه یک فساد مالی و اقتصادی و اداری فراگیر، به اضافه دستگاه عظیم و مفت خور سازمانهای رنگارنگ دولتی و بنیادها و انجمنها و ریخت و پاش هزینه ها، به اضافه کاهش صادرات و افزایش دائم حجم دلاروام خارجی تحریم آمریکا را نمی توان عامل یک فشار مؤثر سیاسی و اقتصادی بر رژیم خود کامه اسلامی تلقی کرد. بطور کلی تا امروز تاثیر منفی تحریم های اقتصادی بر مردم کشورهای تحریم شده بوده است نه بر رژیمهای آنها.

رئیس جمهور آمریکا وقتی در مرکز اجلاس سالانه بهبودیان آمریکا تحریم اقتصادی بر علیه ایران را اعلام می کند به نظر من هدفی جز مصرف داخلی یعنی جلب نظر محافل با نفوذ یهودی برای انتخابات آینده ریاست جمهوری ندارد و بهر صورت، تحریم اقتصادی آمریکا یک جنبه از کشمکش دولت آمریکا با رژیم جمهوری اسلامی است و اگر ضرورتی آن به مردم ایران میرسد اما در حقیقت مقصود اصلی دشمن بیگانه که آمریکا باشد نیست بلکه دشمن خانگی مردم ایران یعنی آخوند های حاکم و مزدوران ریز و درشت آنها نظیر ولایتی ها هستند. سیاست دولت آمریکا لااقل از زمان توطئه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نسبت به ایران تغییر نکرده است. آمریکا نظیر هر قدرت دیگری جز به منافع خود نمی اندیشد.

اگر افراد و گروههایی و نیز پهلوی ها و خمینی ها و آخوند های حاکم مصلحت ملت ایران را در پای منافع خصوصی خود قربانی کردند و سیاست های بیرحم بیگانگان را بر مصالح سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مردم مسلط کردند، اعتراض ما به آمریکا چه تا تیری در تغییر سیاست آمریکا میتواند داشته باشد؟

مردم ایران از آغاز تشکیل جمهوری اسلامی ولایت فقیه در محاصره اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خمینی و آخوند ها و گروههایی بارفروشان و شاگرد حجره های بازار تهران درآمده اند. محاصره اقتصادی آمریکا جزئی از این محاصره اصلی است.

رضا موزبان

با توجه به بحران اقتصادی و عدم توانایی رژیم، در حل مشکلات اقتصادی و تحریم اقتصادی ایران توسط کلینتون، چه دورنمایی برای تحولات سیاسی در کشور می بینید؟

ناتوانی رژیم در حل مشکلات اقتصادی، امری است یک سر جدا از ماجرای تحریم اقتصادی ایران توسط کلینتون، هر چند جای بحث نیست که دست های بین المللی در سودجویی از ناتوانی جمهوری اسلامی، و تشدید بحران، در کار است. شعارهای توهم آلود و عامیانه "اقتصاد توحیدی" و "اقتصاد اسلامی" از روز نخست برای روشنفکران ایرانی به شوخی شبیه بود. اگر مذهب، کشش حکومت می داشت، از هزار سال پیش، جای خود را به شیوه های دیگر حکومت نمی داد. اقتصاد سیاسی، دانش جدیدی است که عمر آن به سه قرن نمی رسد و آگاهی اسلام، از تیروی کار، به اندازه بی است که در قرآن آمده است: سلیمان، برای استخراج معادن، دیوان را به کار گرفت. و دیدیم که مدعیان اقتصاد اسلامی، مردم جامعه را به دو گروه مستضعف و مستکبر، تقسیم کردند. و با این دو تعریف، تمام مشکلات جامعه، بیچیده دوران شکوفایی صنعتی، از صافی گشاد بینش اسلامی شان، عبور کرد و کار را به این جا رسانند.

اقتباس های ابتدایی و خام از اقتصاد سوسیالیستی یا اقتصاد دولتی، که چند صباحی ابراز کار حاکمان مذهبی بود. بی آن که گریه از بحران اقتصادی بگشاید، در اثر چپاول های متصدیان، به بن بست رسید و از جانب روحانیت و حامیانش در بازار به نهان جلب سرمایه خارجی، طرد شد تا نظامی که تا بن دندان در فساد مالی و فساد قدرت غوطه می خورد و خود عامل رواج طفیلی گری در اقتصاد و در اجتماع بود، به انتقال غارت های مالی خویش به خارج، و به تشدید غارت در فرصت تازه، کمربند. آن چه امروز اتفاق افتاده است درست ره آورد همان اقتصاد توحیدی و "اقتصاد اسلامی" است که هر کدام به روالی عامل توقف اقتصاد، و تشدید استثمار بودند. و با وجود حاکمیت دینی بر جامعه، امید هیچ گشایش در اقتصاد کشور وجود ندارد. ملاها ایران را در تاس لغزنده "استعمار بین المللی" انداخته اند.

ماجرای تحریم اقتصادی ایران از جانب کلینتون، موضوع دیگری است که از چند جهت درخور مطالعه است: بحران ها و پربشانی های گسترده در شمال آفریقا،

مهار کردن رژیم اسلامی بینجامد، ملت ما یار دیگر، تنها جم آمریکا را بی اثر خواهد ساخت و در شرایط تازه منطقه، اعتباری را که حاکمیت دینی از آن گرفته، باز خواهد یافت. این حرکات پراکنده، برای ما، که در خارج هستیم، نقطه امید است و یاد آوری می کند که سبب به آسمان برتاب شده، آمریکا، تار سیدن به زمین هزار گونه خواهد چرخید.

ارزیابی شما از انتشار بیانیه ۸۶ نفر چیست؟

به یقین، من با کسانی که این بیانیه را داده اند، افق سیاسی مشترک نداریم. به همین دلیل من هم این سوی جهان هستم، و آنها آن سو. اما زبان آنها را می فهمم. آنها، در محدوده رژیم، دارند حق تنفس از حکومت مطالبه می کنند، همان طور که در زندان، برای دفاع از حق تغذیه و تهویه، و رعایت حریم انسانی خویش از جانب زندان بان، زندانیان به مبارزه های ممکن در درون زندان، رومی آورند. و باید در همین حد به حمایت آنها برخاست. آنها با وجود تمام تبعیض های گنجانده شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی، می خواهند لااقل همین قانون در ایران به اجرا سپرده شود، و مجلس دینی، به صورت مجلس مملکتی در آید. جای مشتکی روضه خوان و طلبه ی حوزه ی علمیه قم و جاهای دیگر، کارشناسان و متخصصان به مجلس بروند، به مردم آزادی بیان عقیده و حق انتخاب بی مداخله ی مسجد داده شود. در داخل قلمرو حکومت دینی، همین اندازه مطالبه ی حق کردن هم شجاعت می خواهد. البته فراموش نکنیم که شجاعت و حمیت مطالبه این اندازه از آزادی، مولود قیام و خون مردم تشنه و غارت شده، اسلام شهیر و اکبر آباد است. جز این ۸۶ نفر، به یقین دسته ها و گروه ها و شخصیت های معترض دیگر نیز در ایران هستند که جانبازی مردم فقیر کشور، آنها را به واکنش واداشته است و باید به انعکاس صدای آنها در شرایط اختناق موجود، کمک کرد و به دفاع از انزام آنها برخاست. تا حرکت ایران گیر شود، و

پیرامون مسایل خط مشی...

بقیه از صفحه ۱۰

علاقه مند است که این حرکت را تحت عنوان ایجاد یا تشکیل آلترنا تیفو دموکراتیک بیان کند. من با این نظر اختلاف مضمونی ندارم اما ترجیح می دهم آن را به شکل دیگری بیان کنم که راه سوء برداشت از آن مسدود شود. من آن را تحت عنوان ایجاد آلترنا تیفو فکری بیان کرده ام هر چند که دقیق تر روشن تر آن است که این فکر تحت عنوان ارائه برنامه سیاسی یا تاسیس رهبری سیاسی واحد بیان کنیم. برنامه ای که جمهوری پارلمانی عنصر اصلی آن است.

چرا شما فکری کنید ارائه آلترنا تیفو به معنای ارائه یک ترکیب معینی برای بدست گرفتن قدرت و حذف دیگر آلترنا تیفو ها است؟

ممکن است تصور برخی از دوستان ما از آلترنا تیفو آنچه که دیگران از آن می فهمند یکی نباشد. مثلاً در مورد سلطنت آنها نظام سلطنتی را همراه با رهبران یکجا ارائه می دهند. مجاهدین نیز نظام مورد نظر خود را با ترکیب حکومتی مورد نظر خود یکجا ارائه می دهند. در جمهوری اسلامی نیز همینطور است. نظام و رهبران آن یکجا ارائه شده اند. فقط در میان نیروهای سازمان و برخی محافل دیگر این تصور مطرح است که تشکیل آلترنا تیفو دموکراتیک به معنای نامزد کردن یک نیروی معین برای جایگزینی قدرت به معنای ارائه ی یک ایده ی معین در مورد ساختار سیاسی کشور است. من جایی نشنیده ام که نام این کار را ایجاد و یا تشکیل آلترنا تیفو دموکراتیک بگذارند.

یکی از مسائلی که در سازمان ما و در میان دیگر نیروهای دموکراتیک مطرح است چگونگی برخورد با جنبش های اعتراضی است که در ایران به وقوع می پیوندد. شما فکری کنید وظیفه ی ما در قبال این جنبش ها چیست؟

دو نوع تلقی از "مسئولیت ما" من دیده ام: وظیفه مادر قبال حرکات اعتراضی خود انگیزخته (تا کیدی می کنم خود انگیزخته و انفجاری) اعمال فشار بر رژیم برای منع کشتار و خونریزی است. نقش و مسئولیت ما آن است که تلاش کنیم هر چه بیشتر دستان رژیم را کوتاه کنیم از کشیدن اسلحه به سوی مردم بی دفاع. مسئولیت ما باز کردن راه برای طرح مطالبات اقتضای مختلف به شیوه مسالمت آمیز و مدت است و تا زمانی که این کار به تسریع بسیار شورش ها اتفاق خواهد افتاد. تلاش ما باید متوجه بسیج همه ی امکانات برای منع کشتار مردم بیگناه گردد. جلب حمایت بین المللی برای اعمال فشار بر حکومت اهمیت کلیدی دارد. این کاری است که از دست ما ساخته است. من مثال می دهم تلاش رژیم را برای ترور مخالفان در خارج کشور. اگر یکبار علیه ترور را از فاجعه وین شروع کرده بودیم برای رژیم سازماندهی ترور پاریس دشوارتر می شد. وجه بسا که با سازماندهی ترور برلین را بسود خود نمی دید و یا پراش متضمن بهائی پس سنگین تر بود. باید کاری کرد که رژیم بفهمد و بداند که به گلوله بسن مردم نیز بی کفر نخواهد ماند.

فکر دیگری هست که تشویق فعالین چپ در ایران به شرکت در این حرکات خود انگیزخته را وظیفه و مسئولیت اصلی خود می شناسد. این فکر به هواداران خود پیام می دهد که بروید، دامن بریزید و رهبری کنید. از نظر من

ارتجاع مسلط را هر چه بیشتر از نفس بیدازد و فرسوده کند.

به نظر شما، وظیفه، نیروهای اپوزیسیون

دموکرات در شرایط کنونی چیست؟

نمی دانم منظورتان از اپوزیسیون دموکرات چیست؟ "دموکرات" از بس درست اهل سیاست. به صورت پیشوند و پسوند، "دستمالی" شده، دیگر شفافیت خودش را از دست داده است. اگر می خواهید از اپوزیسیون معتقد به حاکمیت مردم بگوئید، که نام راحت تر و صریح تری هم دارد، "اپوزیسیون جمهوریخواه" و من سال هاست آرزوی کنم این اپوزیسیون، تکلیف خودش را با مسائل و امور ایران، و با انبوه جمعیت پراکنده، خودش در خارج روشن کند، هر چند دسته، حزب، سازمان و افراد مستقل که هستند، زیر چتر واحدی به نام "آزادی و جمهوری گرد آید و بی آن که استقلال خود را رها کنند، و به موازات آن، به دفاع مشترک از آزادی و جمهوری در ایران نیز بپردازند، تا تقلب "دموکرات" شدن شاه و "جمهوری" بودن ولایت فقیه رسوا شود و مجال بازسازی نیابد.

نظر شما در مورد تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا چیست؟

به این سوال، ضمن پاسخ به سوال اول جواب داده ام، این قدر می گویم که در آینده هنگام برشمردن اشتباه های سیاسی آمریکا در خاورمیانه، سیاست جاری این حکومت، به حمایت از "فزون طلبی" اسرائیل، جای اصلی خواهد داشت، سیاستی که با نازیانه، می خواهد این عضو نجفناشته، بیوندی را بر بیکر منطقه جا بیندازد. و بیش از هر کشور منطقه، اسرائیل است که از زبان این تحمیل و تحریم منطقه بی سهم خواهد برد. تحریم اقتصادی ایران را در رابطه با سلسله طرح های کوتاه مدت و دراز مدت آمریکا، در جان انداختن نقش اسرائیل در منطقه، باید دید و نه جای دیگر.

این یک طرح ذهنی و غیر مسئولانه است. تجربه

شورش های سال ۵۶ در خارج از محدوده ما به امری است که تا وقتی مطالبات و خواسته های معین دموکراتیک و سیاسی در میان آن مردم به حد کافی نفوذ نکرده باشد، تا وقتی شکاف در سیستم حاکم پدید نیامده باشد، تا وقتی نیروهای سیاسی به اندازه ی کافی متحد و نیرومند نشده باشند امکان جلب توده های وسیع مردم به رهبری سازمان های سیاسی هنوز فراهم نیامده است. در چنین شرایطی فرستادن نیروهای روشنفکری به نقاطی که شورش درمی گیرد قبل از اینکه به طرح و پیگیری شعارها و مطالبات آزاد یخواهانه توسط شورشیان بیانجامد به هضم شدن آن فرستادگان در آن شورش کور منجر می شود. من انتظار ندارم که از مشارکت فعالین اعزامی در شورش مشهد، شیراز، اراک و غیره، از آنها برآمد سیاسی و مبارزه سیاسی زاده شود. این ساده نگری است که با رفتن افراد روشنفکر میتوان جهت آن شورش را به سوی آزادی کشاند. ممکن است آن را به سوی "مرگ بر رژیم" موجود سوق داد اما غیر ممکن است از آن ها فریاد زنده باد جمهوری پارلمانی شنیده شود. راه سوق مردم به سوی مطالبه ی آزادی کار روشنگرانه و فعالیت سیاسی در سطح جامعه است.

پس شما شرکت فعالین سیاسی در جنبش های مردمی را مردود می دانید؟

جنبش های مردمی واژه ای بسیار وسیع است. این واژه حرکت مادر خارج کشور تا هر اعتراضی به وضع موجود و به هر شکل را در بر می گیرد. نامه ی ۳۴ انویسنده هم جزئی از جنبش های مردمی است.

منظور بطور مشخص جنبش های توده ای در اسلام

شهر، مشهد و دیگر جاهاست؟

من نام این حرکات را "جنبش" نمی گذارم، جنبش دارای خصلت متداوم و حاوی نوعی برنامه سیاسی و یا اجتماعی است. ما با اعتراض موضعی و با طول عمری بسیار کوتاه مواجهیم. برای این حرکات من نمی توانم نام "جنبش سیاسی" بگذارم.

شرکت در آنها را هم توصیه نمی کنید؟

شرکت سازمان های سیاسی در این حرکات بلا موضوع است و نمی تواند وجود داشته باشد. این حرف بی معناست که کسی بگوید سازمان ما یا فلان تشکل سیاسی به مثابه یک سازمان سیاسی در این یا آن شورش خود انگیزخته مشارکت دارد. چرا که ارتباطی بین رهبری سازمان و توده ی شورشی نمی تواند وجود داشته باشد. موضعی که من روی آن تاکید داشته ام آن است که وظیفه ما در قبال عناصری که دارای اندیشه سیاسی هستند و در همان محیط شورشی حضور دارند، نوعی وظیفه ی تربیت سیاسی است. بدین معنا که چنانچه موج شورش و اعتراض مردم منطقه را در بر گرفت خود را از مردم جدا نکنند و مردم را ترک نکنند. مانع سرکوب و کشتار شوند، مردم را ارمانی و به نجات جان و مال آنان کمک کنند. البته این تربیت کاریک روز و روز نیست. ما فدائیان خلق همیشه چنین بر خوردی با خود داشته ایم.

به نظر شما ویژگی قزوین و اسلام شهر در آتش زدن

بانک و تخریب هست یا در بیان خواست های مردم. یا نمود اعتراض مردم؟

آخری صحیح است. اینها نمود اعتراض مردم است.



مصاحبه "کار" با فریدون احمدی، ف. تابان و فرخ نگهدار

# پیرامون مسایل خط مشی سیاسی

کنند.

شما برای نیروهایی که در داخل کشور هستند، شرکت را توصیه می کنید یا برای نیروهایی که در خارج هم هستند این توصیه را دارید؟  
طبعاً شرکت از خارج از کشور در فلان حرکت اعتراضی مثلاً در اسلام شهر بلا موضوع است. اما بر دو نکته می خواهم تاکید کنم. یکی اینکه تقسیم نیروها به داخل کشوری و خارج کشوری درست و واقعی نیست. پیوندها و نیازها اکنون بیشتر از آن است که از یک دیوار سخن گفت. دوم اینکه نیروی خارج از کشور به دلیل امکانات خبررسانی اش می تواند در راستای غلبه بر همان روحیه بیگانگی یا حرکت های اعتراضی تلاش و تاثیر داشته باشد.

ارزیابی شما در مورد میزان تاثیر پذیری نیروهای سیاسی، در این مورد مشخص، نیروهای هوادار سازمان در داخل کشور از این رهنمود چیست؟

من مسأله را تعمیم می دهم، نه فقط هواداران سازمان در داخل کشور. بر اساس گزارش ها، مجموعه نیروهای روشنفکری داخل کشور نسبت به این حرکت ها احساس بیگانگی دارند. و به نظر من این چیز مثبتی نیست. طبعاً فعالین سازمان هم تاثیر پذیری کمی از این رهنمود خواهند داشت. غلبه بر آن روحیه هم زمان می طلبد و هم بالا گرفتن سطح اینگونه حرکت ها و جنبش ها را و اینکه آنها به عین بنیاد جنبه های تخریبی اینگونه حرکت ها تنها با شرکت مؤثرتری می تواند زائل شود و تخفیف پیدا کند و نه با فاصله گیری و نفی آن ها که درست به خلاف آن نتیجه ای منجر خواهد شد که ظاهراً دلیل وجود این روحیه تلقی می شود. بلکه کمی تاثیر بر رهنمود واقعی است نه فقط در هواداران سازمان بلکه کلاً مجموعه روشنفکران کشور نسبت به چنین فکری فاصله دارند.

شما تحول اوضاع سیاسی را، مثلاً همین تحریم آمریکا و فاصله گیری اروپا از این سیاست را یا شقاق در درون حکومت با امکان بهره گیری از این شکاف را و یا پیوستن بخشی از نیروهای حکومت به نیروهای اپوزیسیون را در تغییر روحیه مردم و سیاسی شدن اعتراضات آنها چه میزان مؤثر می بینید. کدام ورزش بیشتر است؟

عواملی که ذکر کردم به عنوان دلایل منحصر بفرد یا حنا در مقطعی مهمترین دلایل نیستند. در درازمدت این عوامل مورد تاکید من هست اما هم اکنون شاهد حرکت هایی هستیم، بطور مثال نامه ۸۶ تن از شخصیت های سیاسی با حرکت های دیگری از این دست که انجام پذیرفته. امکان بروز این ها را نمی توان مستقیماً به شرایط ایجاد شده ناشی از حرکت های اعتراضی مردم و تاثیرات آن نسبت داد یا در درجه اول به آنها نسبت داد. مجموعه شرایطی از جمله پذیرش شدن این درک در جمهوری اسلامی که بدون کسب حمایت اروپا در شرایط تحریم اقتصادی آمریکا، خدمات و اثرات جدی و خرد کننده ای بر رژیم وارد خواهد آمد، آنها را به این نیاز کشانده که در نتیجه های را حداقل برای تبلیغ و برابری کسب نماید اتحادیه کشورهای اروپایی باز کنند. در این مقطع این عوامل عوامل مؤثرتری بوده اند تا بطور مستقیم حرکت های اعتراضی مردم.

می پردازم به موضوع اتحادها. اتحادی که بین ما و سایر مخالفان رژیم که خواهان استقرار جمهوری پارلمانی هستند در خارج کشور فعالیت می کنند، تا چه میزان می تواند مورد اتکا و اعتماد نیروهای داخل کشور مثلاً ۸۶ نفری حلقه ها و محافل دیگری که وجود دارند، جهت رهبری جنبش سیاسی قرار بگیرد؟

من بین مخالفان در خارج و داخل کشور چنین دپواری نمی کشم.

نظریه یگانگی بین این دو من این سؤال را می کشم نه فاصله ای که بین آنها وجود دارد

سوال شما درست عکس تا کیدی که بریگانگی داشتید، بردگانگی دلالت دارد. کشیدن دیوار چین بین آنها بی که خارجند و آنها بی که داخل هستند. واقعیت این چنین نیست و در داخل و هماهنگی و نیاز متقابل جدی وجود دارد، سازمان یافته نیست اما وجود دارد، و امید جدی هست که این هماهنگی با عطف توجه به محظورات و الزاماتی که فعالیت در ایران و زیر تیغ جمهوری اسلامی دارد، بتواند شکل جدی تر و علنی تر به خود بگیرد و همانطور که عرض کردم به امیدی تبدیل شود. این آلترا تیبو قطعاً نیروی اصلی در داخل کشور خواهد بود. و نیاز جدی و بسیار جدی هم به فعالیت در خارج از کشور و وجود بخشی از دیگران در خارج از کشور خواهد داشت.

با توجه به اینکه شما می گویند، پایه اصلی آلترا تیبو دموکراتیک در داخل کشور باید پی ریزی شود و پایه گذاری شود آیا فکر می کنید در تلاش ما از خارج از کشور باید تغییراتی داده شود تا بتواند مشارکت مستقیم در استقرار این آلترا تیبو داشته باشد یا نه در وضع فعلی هم امکان پذیر هست، نظر به محظوراتی که در ارتباط گیری ما با داخل کشور وجود دارد؟

قطعاً اما نه به قیمت با گذاشتن بر اهداف و محدود شدن به مثلاً پذیرش همی سیاسی بخشی از اپوزیسیون

داخل و بریک نکته نیز تاکید کنم: از هر امکانی برای رخنه درد بوار استبداد ما هم باید استفاده بکنیم. بدین معنا که هر زمان شرایط هر حد حضور علنی در داخل کشور وجود داشته باشد، ما هم باید آمادگی داشته باشیم. ولی این تماماً منوط و مشروط است به همان راستای اساسی خط مشی ما. بدین معنا که مواضع ما باید به روشنی توضیح گر این مسأله باشد که حکومت کنونی در حل بحران همه جانبه و در پاسخ گویی به خواسته های اساسی مردم به بن بست رسیده است و بر این مبنا تنظیم تاکتیک کنیم.

می رسم به بخش دوم سؤالی که می خواستم طرح کنم و آن مربوط به رابطه ای است که از امروز تا لحظه تشکیل آلترا تیبو باید بین تلاش های سازمان برای تشکیل آلترا تیبو و ارتباط این آلترا تیبو با آلترا تیبوهای دیگر و راه حل های دیگر که مطرح اند برقرار شود. نظر شما درباره این ارتباطات چیست؟

سوال را به دو بخش تقسیم می کنم: نحوه تنظیم رابطه سازمان با آلترا تیبو بگر: مجاهدین و سلطنت طلبان و نحوه تنظیم ارتباط آلترا تیبو نیروهای جمهوری خواه دموکرات با آلترا تیبوهای دیگر. بخش دوم سؤال معطوف می شود به ایجاد یک توافق، تلاش در راه ایجاد یک توافق بر سر نحوه انتقال قدرت که فکر می کنم جدا گانه باید پاسخ داد.

نخست در مورد سازمان مجاهدین فکر می کنم سه شاخص نشان دهنده ماهیت یک نیروست: روایتی که در میان اعضایش جریان دارد، رابطه ای که با دیگر نیروهای سیاسی برقرار می کند و روایتی که با مردم کشور خود و منافع آنان ایجاد می کند. در هر سه این عرصه ها سازمان مجاهدین خلق کارنامه ای بسیار منفی ارائه کرده است. و وظیفه ما در جایگاه نخست، مبارزه با این وجوه و سیاست های غیر دموکراتیک است و خطری که این نیرو برای استقرار دموکراسی در کشور دارد. من ارزیابی به قدرت رسیدن مجاهدین در ایران را ندارم اما احتمال آنرا نیز نمی توان بکلی نفی کرد. در شرایط وجود یک خلا، قدرت و یا اتکاب به حمایت های بین المللی و وضعیتی که این نیرو دارد و به خاطر عصیان زدگی و بی اساسی مفرط به آینده در بخش های اجتماعی ما، این نیرو شانس هایی برای کسب قدرت سیاسی دارد. در این صورت، در راه استقرار دموکراسی در کشور و حل مسائل بنیادی کشور بهیچ وجه گامی به جلو برداشته نشده است. ما این خطرات و این سیما را بعنوان یکی از پایه های سیاستمان در قبال مجاهدین باید بازتاب دهیم. اما بر واقعیت و تجربه دیگری نیز باید انگشت گذاشت و در این زمینه، هم نیروی بنیاد گرای اسلامی منظر هم هست و هم نیروی مجاهدین خلق. در شرایط استقرار یک حکومت دموکراتیک یک نیروی سازمان یافته و تشنه قدرت اگر مواضعش بر تقابل قهر آمیز با آن حکومت قرار گیرد، می تواند تمام روند استقرار دموکراسی و سازندگی در کشور را با اختلال جدی مواجه کند. بنا بر این از هم اکنون باید آنچنان روایتی تنظیم کرد که به سهم خود کوشیده شود رابطه در آن زمان به آن تقابل نیانجامد. بر این اساس، در چارچوب کلی تری بیان کنم ما نیاز به یک میثاق عمومی داریم، میثاقی که بر مبنای آن آلترا تیبوها و نیروهای سیاسی گوناگون بر سر یک مسأله مهم بتوانند به توافق برسند و آنهم مسأله نحوه انتقال قدرت است. ارزیابی این را ندارم که جمهوری اسلامی و با مجاهدین ظرفیت و توان پذیرش این میثاق را دارند. ولی اعلام این از نظر سمت گیری ما اهمیت دارد، ضمن اینکه این امر بخشی از مبارزه فرهنگی و وظیفه مستمرا ما در راستای ایجاد یک فرهنگ پیشرفته دموکراتیک در جامعه مان تشکیل می دهد که بجای روش های تخریبی و قهر، مبارزه سیاسی متمدانه تنظیم کننده مناسبات بین نیروها باشد.

آیا شما در روندی که جنبش دموکراتیک در پیش دارد توافق با حکومت جمهوری اسلامی را برای برگزاری انتخابات آزاد ضروری می بینید یا نه و آیا ممکن می دانید یا نه؟ منظور من از انتخابات آزاد انتخابات تعیین نظام است.

پذیرش انتخابات آزاد برای تغییر نظام خود به مثابه پذیرش و تا کید بر ضرورت توافق با جمهوری اسلامی است و نه امکانش و تا کید بر اینکه باید در این راستا تلاش بشود. اینکه آیا جمهوری اسلامی زمانی به این مرحله خواهد رسید و این امکان فرضی امکانی واقعی خواهد شد، بستگی به عوامل بسیاری از جمله سطح اعتراضات مردم و حد سازمان یافتگی آن، توان جنبش سیاسی، شرایط بین المللی، عمق شکاف در حاکمیت و... دارد می شود از این بحث این نتیجه را گرفت که تشکیل مجمع توافق ملی برای برگزاری انتخابات نظام مقدم بر استقرار جمهوری پارلمانی است؟

وقتی جمهوری پارلمانی استقرار پیدا کرده باشد طبعاً، تشکیل مجمعی که بخواند نوع نظام را تعیین کند، بی معناست.

یعنی کدام راه حل را شما می خواهید در ایران پیش برود؟

ما ضمن اینکه از هم امروز همرا با دیگر نیروهایی که

بقیه در صفحه ۹

در راستای طرح ایده ها و نظرات موجود در سازمان در زمینه مسایل خط مشی سیاسی به مثابه گامی در راه چهارمین کنگره سازمان، نشریه کار مصاحبه هائی باتنی چند از اعضای شورای مرکزی ترتیب داده است که در این شماره نشریه کار و نیز در شماره های آتی به تدریج درج خواهد شد. در این شماره پاسخ های رفقا فریدون احمدی، ف. تابان و فرخ نگهدار از نظر شما می گذرد. امید است که طرح این مباحث به مشارکت فعالتر فعالین سازمان در این مباحث یاری رسانند. در این راستا بجا است یاد آور شویم که نشریه کار خواهد کوشید چنانچه مشارکتی یا اظهار نظری پیرامون مسایل مطروحه از سوی خوانندگان نیز برای ما ارسال شود در حد امکانات نشریه آن نظرات را نیز در صفحات نشریه بازتاب دهد.

## فریدون احمدی

در آستانه تشکیل کنگره چهارم هستیم، نظر شما در مورد خط مشی سیاسی سازمان و جهات لازم به تدقیق و یا تغییر آن چیست؟

قبل از ذکر جهات لازم به تدقیق خط مشی سیاسی سازمان در کنگره چهارم، تبیین مختصر مبنای آن ضروری است. این مبنای را که به نظر من از کنگره نخست اساس خط مشی سازمان را تشکیل می داده است، می توانم در این بیان خلاصه کنم: تلاش در راستای ارزش ها و اهداف سیاسی بر مبنای چشم اندازها و ارزیابی های واقعی موجود، یا پیگیری اهداف بر پایه یک ارزیابی معین از شرایط.

استقرار دموکراسی و مردم سالاری در ایران، نشان دادن انسان سالاری و حرمت و شأن خدشه ناپذیر انسان در جایگاه شایسته آن در جامعه، توسعه کشور، گسترش عدالت اجتماعی، برابر حقوقی زن و مرد و دفاع از منافع ملی در جهانی بهم بسته و بهم پیوسته. این ها خطوط کلی اهداف ما و نیاز مردم ما را تشکیل می دهند. این اهداف و نیازها از یک سو و آزادی دیگر استبداد فقهائی حاکم بر کشور و این ارزیابی که رژیم جمهوری اسلامی فاقد بناسنیل لازم برای پذیرش تغییرات بنیادی است، خط مشی سازمان ما را بر این موضع قرار داد که خواهان طرد و نفی و برکناری جمهوری اسلامی باشد. آن اهداف و این ارزیابی بنیاد خط مشی ما را تشکیل می داده است.

ایدئولوژیک بودن و اتکا رژیم بر ولایت فقیه، عمق ورطه هولناکی که بر اثر عملکرد رژیم و سیاه طویل کارنامه ۱۶ ساله آن میان مردم و حکومت ایجاد شده است، موقعیت ویژه ملایان و منافع اقشار نوکیسه ای که تنها در چنین سیستم از نظر اقتصادی غیر عقلایی می توانند چنین غارتگرانه به حیات اقتصادی خود ادامه دهند، دلایلی هستند که در این زمینه پایه استنتاج و ارزیابی مزبور در مورد ناتوانی کلیت رژیم در پذیرش تغییرات اساسی را تشکیل می دهد.

سیر رویدادها و تجربه شش سال گذشته از کنگره اول تا کنون از این نظر، مؤید صحت خط مشی سازمان و مناسفانه مؤید درستی ارزیابی فوق الذکر بوده است و خوشبختانه دیدگاه و مشی ای که به اعتقاد من بر اساس ارزیابی خلاف آن استوار بود و تبدیل شدن به اپوزیسیون قانونی را امکانی واقعی می پنداشت، نتوانست طی کنگره های گذشته سیاست رسمی سازمان گردد.

اکنون سؤال این است که شرایط و پارامترهای جدید کدامند؟ وجه تدقیقات و تغییراتی را در خط مشی سازمان ضروری می سازند.

بحران در کشور در همه عرصه ها حادث بی سابقه ای یافته است. همبنا با آغاز شکل گیری جنبش سیاسی در داخل کشور و گسترش جنبش های خود انگیخته مردم، بحث ها و مواضع متفاوت در این زمینه ها در میان نیروهایی که در داخل کشور امکان حضور کم و بیش علنی دارند نیز بازتاب یافته است. نمونه آن بحث ها و مواضع پیرامون نامه اخیر ۸۶ تن از شخصیت های سیاسی کشور که اکثر آنها به نهضت آزادی نزدیکند، قابل ذکر است. فکر می کنم تفاوت مواضع در این زمینه ها بین آنها نشد پذیرش خواهد شد. یک گرایش خواهد کوشید فعالیت هایش را در راه ایجاد و استقرار بر برخی آزادی ها در جمهوری اسلامی محصور دارد. و گرایش دیگر ضمن تائید حرکت های نخست و پشتیبانی از آنها، خواسته ها و اهداف خود را در چارچوب نظام کنونی محدود و عملی نمی یابد و به سوی سلب حاکمیت از رژیم کنونی سمت گیری می کند. به اعتقاد من مادر کنگره آتی خود در این راستا می یابست بر مشی خود صراحت بخشیم و اساس خط مشی سیاسی خود را ایجاد آلترا تیبوی از نیروهای جمهوری خواه دموکرات در داخل و خارج از کشور قرار دهیم. حدت بحران سیاسی، اقتصادی در کشور به نظر من این وظیفه را روز بروز خطیرتر می کند. من بهیچ وجه با طرز فکری که تلاش در راستای تشکیل یک جبهه آلترا تیبو را نفی می کند، آن را قائل نشدن حق حیات برای بنیاد گرای اسلامی و دیگر آلترا تیبوهای موجود یعنی سلطنت طلبان و مجاهدین تبلیغ می کند. از آن مشی سرنگونی قهر آمیز استنتاج می کند و وظیفه ما را تنها به ارائه آلترا تیبو فکری تنزل می دهد، موافق نیستم.



نقیه از صفحه ۸

## پیرامون مسایل خط مشی...

به خودمان نزدیک می‌دانیم و می‌توانیم مشترکاً آلترا تیبو واحدی ارائه بدیم، در این راستا تلاش می‌کنیم و میکوشیم آلترا تیبو خودمان را با اتکا به رای و اراده مردم به قدرت برسانیم، هم پای آن باید بپزیم که دیگران هم آلترا تیبو خودشان را ارائه می‌دهند و می‌بایست گذار به

## ف. تابان

ما به سمت کنگره‌ی چهارم پیش می‌رویم و می‌خواستم از شما سؤال کنم که طرح خط مشی که برای این کنگره پیشنهاد دارید و رئوس آنرا برای خوانندگان مطرح کنید:

من با مبانی خط مشی کنگره‌ی دوم و سوم موافقم و فکر می‌کنم که این مبانی در این کنگره نیز باید مورد تأکید قرار گیرد. از یک سو خط مشی ما متکی است بر سازمان‌گیری و بسیج توده‌ی مردم به منظور ایجاد هرگونه تحول دموکراتیک. ما معتقدیم که تحول به سوی دموکراسی باید با شرکت نیروهای توده‌ای و بسیج و سازماندهی نیروی مردم صورت پذیرد. از سوی دیگر این خط مشی متکی است بر هدف درست برکناری جمهوری اسلامی به عنوان بزرگترین مانع و سد دموکراسی در ایران. این خط مشی تا یک‌درد که به منظور دست‌یابی به این هدف برکناری جمهوری اسلامی و بسیج توده‌های مردم باید نیروهای ملی و چپ متحد شوند و جبهه‌ی واحدی را تشکیل دهند. این اساس خط مشی ماست و باید مورد تأکید قرار گیرد! در عین حال برخی ناروشنی‌ها باید دقیق‌تر شود. با توجه به تحولاتی که در این دو ساله شکل گرفته، ما باید این را مشخص‌تر کنیم که چگونه می‌توانیم این خط مشی را با نیروی بیشتری پیش ببریم و تحرک بیشتری به آن بدیم.

ممکن است رئوس اصلاحاتی را که ضروری می‌دانید توضیح دهید؟

اساس این تدقیق در خط مشی باید متوجه تعیین چگونگی گذار به دموکراسی و جمهوری پارلمانی مورد نظر ما باشد. این چگونگی تا حدود زیادی نگفته باقی مانده است. مناسبات نیروی دموکراتیک با سایر نیروها، چگونگی تشکیل مجلس مؤسسان و تأسیس نظام تازه را باید مشخص کرد.

منظور از نیروی دموکراتیک، طرفداران جمهوری پارلمانی است؟

نیروی طرفدار جمهوری پارلمانی و از نظر اجتماعی نیروهایی که در ایران به نیروهای چپ و ملی مشهور هستند. این نیروها به اصلی نیروی دموکراسی در ایران است.

چگونه تعریف می‌کنید؟ با شعار طرفداری از جمهوری تماماً انتخابی پارلمانی یا اینکه تعریف دیگری برای آن دارید؟

این تعریف از عمده‌ترین مشخصه‌های این نیروست. ولی هم نیروی چپ و هم ملی از یک تاریخ معین هم برخوردار است و نیروی ملی همانی است که خود را پیرو جریانی که با مصدق شروع شد، می‌داند.

منظور اینست که به جز خواسته‌ی تأسیس جمهوری پارلمانی، خواسته‌ی دیگری را هم طرح می‌کنید برای تعیین هویت این نیروها؟

نیروی چپ که اساساً تنها با این خواسته معرفی نمی‌شود و خواسته‌های بیشتری دارد. ولی نیروی ملی امروز بطور اساسی آن جریانی است که خود را طرفدار حاکمیت مردم و جمهوری پارلمانی معرفی می‌کند و وارث جنبش مصدق است.

گفتید که در خط مشی باید توضیحاتی پیرامون چگونگی گذار داده شود. در این مورد توضیح بیشتری بدهید. منظور نوع رابطه با آلترا تیبوهای دیگر یا پیشنهادات دیگر است. این رابطه را توضیح دهید.

اگر ما بخواهیم در ایران دموکراسی برقرار کنیم، قطعاً نمی‌توانیم آن را کنار گذاشتن و حذف سایر نیروها انجام دهیم. به این موضوع هم به طور قطع نمی‌توانیم پاسخ دهیم که ما قادر خواهیم بود که این نیروهای دیگر را به روند دموکراتیک جلب کنیم. این موضوع تا اندازه‌ای به تناسب قوا و به نوع و شکل تحول بستگی دارد. مسئله‌ی اساسی در اینجا نوع مناسبات ما با این نیروها برای گذار به دموکراسی، بلکه این است که ما با اتکا به کدام نیرو در این مناسبات می‌شویم. برداشت من از آلترا تیبو دموکراتیک، نه به معنی حذف سایر نیروها، بلکه به این معنی است که نیروی دموکراسی در ایران بتواند از موقعیت و جایگاهی برخوردار شود که در مناسبات با سایر نیروها به امروز خودشان را آلترا تیبو جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند، به شایستگی و قدرت از خواسته‌های دموکراتیک دفاع کنند.

منظور از مناسبات چیست؟ پیشنهاد معینی را با آنها مطرح می‌کنید و یا هدف معینی را در پیش می‌گیرید؟

هدف ما در مناسبات با این نیروها، توافق بر سر این موضوع است که بعد از حکومت جمهوری اسلامی مجلس مؤسسانی شکل بگیرد و همه‌ی این نیروها بپذیرند که نوع نظام آینده توسط این مجلس تعیین شود. ما بیش از این نمی‌توانیم توافقی با نیروهایی که خواهان سلطنت یا

نظام بعدی تا حد امکان با توافق با سایر نیروها صورت پذیرد و در برگیرنده همه آلترا تیبوها باشد. اینکه آیا آنها می‌پذیرند بحث دیگری است. من در مورد مجاهدین و جمهوری اسلامی در شرایط کنونی و در چشم انداز، چنین ارزیابی‌ای ندارم و آن را بسیار دور از ذهن می‌بینم.

باز هم راه‌آدمه پیدا خواهد کرد و مشی بر همین اساس پیش خواهد رفت؟

مبارزه برای دموکراسی‌آدمه پیدا خواهد کرد. ولی متسی چه خواهد شد، در آن شرایط برپا می‌ماند و مشخص از اوضاعی که پیش خواهد آمد، باید تعیین شود. امروز فقط این را می‌توان گفت که در شرایط وجود یک دیکتاتوری دیگر، مبارزه برای دموکراسی‌آدمه خواهد یافت.

در سازمان بحث این است که آلترا تیبو دموکراتیک تشکیل شود، شما می‌توانید معنی این تشکیل را توضیح دهید؟

آلترا تیبو دو جنبه دارد. یک جنبه‌ی آن برنامه‌ی سیاسی و نیروی سیاسی است که پشت این برنامه پدید می‌آید و جنبه‌ی دیگر پذیرش این آلترا تیبو در جامعه و اعتماد جامعه به آن است. از نظر جنبه‌ی اول هم مجاهدین خلق و هم سلطنت‌طلبان تا حدودی آلترا تیبوهای خودشان را معرفی کرده‌اند، اما جنبه‌ی دوم برای آنها فراهم نیست و در جامعه و در ذهن مردم آنها به عنوان جانشین رژیم فعلی مطرح نیستند. در مورد نیروهای دموکراتیک هنوز کار دشوارتر است. یعنی نه برنامه‌ی سیاسی معین مورد توافق وجود دارد و نه این نیرو توانسته است به عنوان یک نیروی سیاسی که شایسته‌ی جانشینی رژیم فعلی باشد، خود را مطرح کند. تلاش‌ها باید در جهت ایجاد یک برنامه‌ی سیاسی واحد و بسیج هر چه بیشتر نیرو حول آن باشد. در این زمینه باید تا یکپارچه کرد که نیروی دموکراتیک هنوز نتوانسته خودش را واقعاً باور کند و کمترین نقش و ظرفیت توانایی‌هایی که دارد با خودش برخورد می‌کند. این مانع روانی باید شکسته شود. اگر صرفاً به ظاهر امر و تبلیغات برپا هونگا نکنیم با این واقعیت مواجه می‌شویم که بزرگترین نیروی فعال سیاسی و روشنفکری در ایران متعلق به جناح دموکراسی است و نه سلطنت طلب است و نه مجاهد. این امتیازی است که این طیف دارد. نیروی دموکراسی نباید خودش را دست کم بگیرد و چنین روحیه‌ای داشته باشد که در تحولات آتی جای شایسته‌ای نخواهد داشت. در یک کلام می‌توان گفت به همت بیشتر و فعالیت بیشتر به ویژه در داخل کشور احتیاج هست.

سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که تأسیس رهبری سیاسی توسط کدام نیروها محتمل‌تر است. چگونه می‌شود این رهبری را تأسیس کرد. اگر اپوزیسیون ملی و دموکراتیک و چپ در خارج از کشور، در مرحله‌ی کنونی، فراخوان و منشوری برای همکاری ارائه دهند، آیا این به آن منجر خواهد شد؟ یعنی تأسیس این رهبری آغاز شده است یا یک چنین امیدی ندارید؟

فکر نمی‌کنم بشود لحظه‌ی معینی برای تأسیس چنین آلترا تیبوی اعلام کرد. این بیشتر یک روند است. مجموعه‌ی این گونه تلاش‌ها کمک می‌کند به این هدف. عامل بزرگ در این میان به تحول اوضاع در ایران بستگی دارد. ما در چند ماه اخیر شاهد تحولاتی هستیم که نشان می‌دهد در میان نیروهای ملی و چپ و روشنفکری ایران، فعالیت بیشتر شده است.

اشاره‌ی شما به نامه‌های نویسندگان، فیلمسازان و روزنامه نگاران است یا نامه‌ی ۸۶ نفر؟

به جز فعالیت اعتراضی مردم، دو جنبش در ایران شاید بتوانیم بگوئیم در حال پدید آمدن است. یکی فعالیت نیروهای روشنفکری که امروز جنبه‌ی مستقیم سیاسی ندارد و دیگری فعالیت احزاب سیاسی. در هر دو مورد ما شاهد فعالیت‌های بیشتری هستیم. این اگر جملی برود به یک جریان واحد تبدیل خواهد شد.

این نیرویی که می‌گویید باید به خودش اعتماد پیدا کند و جایگاه خاصی را برای آن در آینده در نظر می‌گیرد، اپوزیسیون خارج از کشور است یا آن نیرویی که در خود ایران مشغول فعالیت است. تأکید شما بر اهمیت کدام بخش است؟

من اساساً یک چنین تقسیم‌بندی را درست نمی‌دانم. بویژه در مورد برخی از سازمان‌ها از جمله سازمان ما. نیروی بزرگی از فدائیان خلق در داخل ایران است. در مورد برخی دیگر از سازمان‌ها هم همینطور است.

منظور رهبری یا نیروها است؟

نیروی سازمان فدایی. رهبری آن که روشن است در خارج از کشور است. ولی وقتی از نیروی فدایی صحبت می‌کنیم منظور تنها رهبری آن نیست. با تأکید بر اینکه نباید تقسیم‌بندی به خارج و داخل کرد، روشن است که تحولات اساسی قطعاً از داخل ایران شکل خواهد گرفت، بدون اینکه تأثیر نیروی خارج از کشور را بخواهیم نادیده بگیریم. نمونه‌ی آن در جامعه‌ی ما رهبری خمینی است. خمینی توانست از خارج از کشور رهبری سیاسی کند. این حرف که از خارج نمی‌شود رهبری کرد نادرست است. بسیاری از جنبش‌های دموکراتیک از خارج از

کشور رهبری شده‌اند.

بحث بر سر رهبری نیروهاست، نه توده‌ی فعالین، ارزیابی شما درباره‌ی زمینه‌ی تأسیس رهبری واحد چیست؟ وزنه‌ی اساسی این رهبری در شرایط مشخص امروز بیشتر برای استقرار در داخل کشور فراهم است یا برای تأسیس در خارج از کشور؟

من اصرار دارم که این جدایی را صورت ندهیم. چه بسا ترکیب مناسبی از رهبران سیاسی داخل کشور و احزاب خارج از کشور باشد. این تا حدود زیادی بستگی به این دارد که تحولات در ایران تا چه اندازه گسترش پیدا کند و نیروهای سیاسی خارج از کشور تا چه اندازه بتوانند خودشان را با نیروهای داخل کشور پیوند بزنند.

آیا تدبیر خاصی را در این زمینه برای رهبری نیروهای سیاسی و دموکراتیک در خارج از کشور توصیه می‌کنید؟ این پیوند را چگونه ایجاد کنند؟

برای نیروهای سیاسی خارج از کشور نمی‌توانم توصیه‌ی خاصی داشته باشم. برای سازمان خودمان میتوانم بگویم که این باید مهمترین مسئله باشد. مهمترین مسئله‌ی کنگره‌ی آتی ما باشد. در چند ماه اخیر در سازمان، و در شورای مرکزی این مسئله مورد توجه قرار گرفته است و صرف نظر از اینکه تا چه اندازه به گام‌ها و نتایج عملی منجر شده باشد، خود این توجه قابل ارزش است. نیروی ما باید به این مسئله که چگونه می‌توان با ایران پیوند بیشتری برقرار کرد، بیشتر فکر کند و این را مسئله‌ی اساسی خود قرار دهد.

آیا مانعی هم هست که این ارتباط بین رهبران سیاسی در داخل کشور خارج از کشور برقرار نشود، مانع چیست و چرا اینها نمی‌توانند با هم مربوط باشند؟

بزرگترین مانع استبداد است. من امیدوارم و فکر می‌کنم همین طور هم می‌شود که با تحول اوضاع در ایران و با تشدید بحران و با تشدید فعالیت‌های سیاسی در داخل کشور، مادر آینده پیوندهای بیشتری را بین جنبش و رهبران سیاسی در ایران و خارج از کشور شاهد باشیم. در دو ساله‌ی اخیر شاهد حرکات خودانگیخته‌ی اعتراضی مردم، به خصوص اقتضای زحمت کش هستیم. نظر شما درباره‌ی این شورش‌ها، توان و ظرفیت آنها و مسئولیت مادر قبالت آنها چیست؟

در مورد این شورش‌ها به دو موضوع باید توجه کرد. یک سؤال این است که آیا این شورش‌ها قابل هدایت و سازماندهی و در آمدن به خدمت جنبش دموکراسی در ایران هستند؟ ما نباید به این سؤال پاسخ منفی دهیم. تلاش ما باید این باشد که این اعتراضات را به جهت دموکراسی سوق بدیم. منظور از سازماندهی این نیست که می‌توان هر حرکت اعتراضی را سازماندهی کرد، منظور این است که عمده‌ی این حرکات را تحت شعاری سیاسی معینی و در خدمت هدف معینی در آورد. این شدنی است. من باز به تجربه‌ی انقلاب بهمن رجوع می‌دهم.

مجموعه‌ی تظاهرات خیابانی در انقلاب بهمن رهبری داشت و کور و خودانگیخته نبود. وظیفه‌ی ما این است که از این اعتراضات قاطعانه حمایت کنیم و در آنها شرکت کنیم. بدون این نمی‌توانیم با آنها پیوندی داشته باشیم. هدف ما دادن سمت سیاسی به این شورش‌ها باید باشد. نکته‌ی دوم این است که این اعتراضات را فقط به خود این اعتراضات محدود نکنیم این اعتراضات بزرگترین عاملی بوده است که شرایط و زمینه را فراهم کرده است که جنبش سیاسی در ایران بتواند راه تنفس پیدا کند. این تظاهرات به ۸۶ نفر، به نویسندگان و به دیگران انگیزه‌ی حرف زدن داده است. ما نباید این روحیه را داشته باشیم که این اعتراضات با جنبش ما بیگانه است.

در محافل سیاسی ایران بحث زیادی هست درباره‌ی سیاست آمریکا و سیاست اروپا نسبت به ایران و سیاست نیروهای اپوزیسیون نسبت به مواضع این دولت‌ها. آیا آلترا تیبو مورد نظر شما، پشتیبانی این دولت‌ها را طلب می‌کند یا اینکه چنین سیاستی را درست نمی‌شناسید؟

تلاش ما باید این باشد که آلترا تیبو دموکراتیک که ما در پی تأسیس آن هستیم بتواند حمایت محافل و دولت‌های بین‌المللی را جلب کند. مسئله این جاست که این حمایت با چه قیمتی به دست آید و تا چه اندازه به خاطر آن از اهداف و منافع و استقلال خودمان کوتاه بیاییم. در این عرصه قطعاً کوتاه آمدن جایز نیست.

یعنی شما اعتراضی به دولت آمریکا یا نمایندگان آمریکا ندارید که چرا از سازمان مجاهدین حمایت می‌کنند و آن را به عنوان آلترا تیبو معرفی می‌کنند، به این عنوان که این مداخله در امور داخلی ایران است، اعتراضی به این ندارید؟

ما همیشه گفته‌ایم دولت‌های خارجی باید نیروهای اپوزیسیون را مورد حمایت قرار دهند. اصل موضوع حمایت آمریکا و هر کشور خارجی از نیروی اپوزیسیون و پشتیبانی کردن از آن ایرادی ندارد. ایراد ما این است که چرا این پشتیبانی متوجه تقویت دموکراسی در ایران نباشد.

## فرخ نگهدار

بر شمارید.

نقیه در صفحه ۱۰

پیرامون مسایل خط مشی...

بقیه از صفحه ۹

علت امتناع من از توافق با این خط مشی ابهامی است که در آن وجود داشته است. اما وقتی ما از خط مشی صحبت می‌کنیم، باید در مورد چگونگی این انتقال از یک نظام به نظام دیگر نظروشن ارائه دهیم. این صراحت در آن خط مشی نیست و بدلیل همین عدم صراحت من نمی‌توانم با آن موافق باشم. این که باید نیروهای ملی و چپ با یکدیگر متحد شوند، جهت گیری واحد اتخاذ کنند و پایه تاسیس جمهوری پارلمانی در ایران نیز چنین نیرویی خواهد بود به نظر من فکر صحیحی است و راهی جز این نیست. هر نظامی باید نیروی خاص خودش را داشته باشد تا امکان استقرار پیدا کند. بحثی که من مطرح می‌کنم به هیچ وجه مخالفت با اتحاد نیروهای طرفدار جمهوری پارلمانی نبوده و نیست، مخالفت با این اتحاد مخالفت با فراهم کردن زمینه دموکراسی است. هم در آن و مقاله هم در نوشته‌های دیگر نشان داده‌ام که تا چه حد نیاز به این اتحاد ضروری و جدی است.

روش تشکیل این اتحاد و تاسیس رهبری سیاسی واحد البته در اسناد مصوب کنگره و ادبیات سیاسی که ما مروج آن هستیم به اندازه کافی روشن نیست.

به نظر من باید رهبری سیاسی نیروهای ملی و دموکراتیک از طریق فعالیت فکری و سیاسی، از طریق فعالیت معنوی بی‌گرفته شوند و نه با ساختن از بالا و به شیوه بوروکراتیک. مذاکره رهبران با یکدیگر و توافق آنها البته ضروری است اما به هیچ وجه کافی نیست بلکه فعالیت فکری و سیاسی عناصر رهبری، پاسخگویی آن بسیج است. باید کار در پایین صورت پذیرد.

نکته دوم این است که باید فهمیم که اگر بخواهیم که فکر فرمیستی، اصلاح طلب و مسالمت آمیز پیش برویم پایه‌ی آن باید در داخل کشور باشد. تاسیس رهبری سیاسی در خارج کشور و نیروهای داخل را از خارج رهبری کردن قطعاً با خط مشی فرمیستی فاصله خواهد داشت و خط مشی سرنگونی از طریق اعمال زور را جایگزین خواهد کرد. این دو نکته در گفته‌های مادر کنگره سوم تصریح نشده و باید تصریح شود. البته بحث بسیار وسیع تر است که در این جا فرصت باز کردن آن نیست.

در این میان اما نقطه ابهام اصلی در خط مشی ما رابطه راه حل نیروهای ملی و چپ با سایر راه حل‌ها یعنی راه حل سلطنت، مجاهدین و ولایت فقیه است. کنگره سوم بر ضرورت توافق با این سه نیرو به این سازماندهی گذار از نظام موجود به نظام جایگزین تاکید و تصریحی ندارد. کسی که پیرو خط مشی کنگره سوم است نمی‌داند هنوز یک توافق با طرفداران جمهوری اسلامی در آینده در افاق‌ها باید پذیرد یا نه. و نه تنها با جمهوری اسلامی، بلکه با نیروهای دیگری که استقرار نظام سیاسی دیگری جز جمهوری تمام‌الانتخابی را طلب می‌کنند. توافق با آنها هم برای نحوه گذار از استبداد موجود به نظام جایگزین ضروری است.

من فکر می‌کنم سازمان باید خط مشی در پیش بگیرد که در آن تصریح شود برای گذار از نظام ولایت فقیه به نظام جایگزینی مجمع توافق ملی که یک رکن آن نیروهای ملی و دموکراتیک و چپ تحت رهبری واحد خواهد بود، قطعا در آینده باید تشکیل گردد. اینها نکات عمده‌ای است که در خط مشی سیاسی سازمان مهم است و باید تصریح شود.

به عبارت دیگر شما با هدف اساسی خط مشی مصوب کنگره سوم یعنی برکناری جمهوری اسلامی موافق هستید ولی در مورد چگونگی رسیدن به این هدف و شیوه‌هایی که باید اتخاذ شود معتقد هستید که خط مشی جواب دقیق به مسائل نمی‌دهد.

هدف صد درصد درست است. تنها وازه برکناری شاید از این نظر که استنباط‌های دیگری ممکن است از آن به عمل آید و خود این صراحت را که استقرار دموکراسی به جای رژیم موجود را به همین شکل به ذهن تیار نمی‌دهد من با آن زیاد اخت و نزدیک نیستم. درست‌تر این است که استقرار دموکراسی به جای نظام ولایت فقیه را مورد تاکید قرار دهیم ولی تا آنجایی که من شناخت دارم نیروهای

سازمان بخصوص برداشت نمایندگان کنگره سوم عموماً واحد بود. آنها از وازه بیان دادن عمر ما تا یکدیگر اعمال قهر را استنباط نمی‌کردند. ولی من پیشنهاد می‌کنم به جای برکناری رژیم جمهوری اسلامی به این دلیل که خود نیروهای طرفدار آن باید در مجمع توافق همگانی مشارکت داده شوند، از عبارات استقرار دموکراسی به جای نظام مبتنی بر ولایت فقیه نام ببریم تا این ابهام در اذهان بوجود نیاید که ما می‌خواهیم اول رژیم موجود را سرنگون کنیم - برچینیم و بعد با سلب حق مشارکت طرفداران حاکمیت روحانیت در انتخابات مربوط به تاسیس نظام، آن انتخابات را برگزار کنیم.

من می‌خواهم اشاره‌ای بکنم به اختلافاتی که بعد از کنگره دوم سازمان پیدا شد. در آن کنگره این نظر پیدا شد آمد که ما نباید در برابر جمهوری اسلامی آلترناتیو معرفی کنیم و این ارزیابی اساساً متکی بر این بود که در آن دوره یک امیدواری نسبت به یک جناح در حکومت جمهوری اسلامی و اقداماتی که جناح رفسنجانی می‌کرد وجود داشت. این نه تنها در سازمان، بلکه در سطح جنبش دموکراتیک وجود داشت. شما فکر می‌کنید اختلافاتی از آن اسم بردید تا چه اندازه متکی بر یک چنین امیدواری‌هایی بود که تحولات را بتوان به اتکای آن جناح پیش برد. امروز ارزیابی شما از آن اختلافات چیست و آیا امروز هم بازمی‌توان بر آن امیدواری‌ها متکی شد و راه اصلاحات را از داخل رژیم گشود؟

برای اینکه دقیق‌تر سوال مطرح شود به نظر من ضروری است که روی دو وازه از این سوال شما تاکید شود. یکی امیدواری و دیگری اصلاحات از درون رژیم. اگر از من بپرسید که در کنگره دوم امیدواری به اصلاحات از درون رژیم وجود داشت یا نه، من پاسخ می‌دهم در قلب و روح من آری این امیدواری به اصلاحات وجود داشت. ولی اگر می‌پرسید که این امیدواری به چه بود؟ به گذار از استبداد به دموکراسی بود و استقرار نظام جمهوری پارلمانی از درون خود رژیم به جای رژیم مبتنی بر ولایت فقیه بود، من پاسخ می‌دهم نه. یک چنین امیدی و یک چنین ارزیابی در قلب و روح من از زمانی که تقدم مبارزه برای دموکراسی را پذیرفته‌ام هرگز وجود نداشته است. آنچه که محور امید من بوده و بعد عدم امکان تحقق آن اثبات شد موضوع برتری نهاد ریاست جمهوری به نهاد رهبری (ولایت فقیه) بود. موضوع امکان غلبه ارگان‌های اداره کننده کشور بر ارگان رهبری کننده مطرح بود. اگر چنین می‌شد یک گام به پیش بود.

به عبارت دیگر شما این امیدواری را داشتید که با تسلط نهاد ریاست جمهوری بر ولایت فقیه حکومت جمهوری اسلامی از یک حکومت دیکتاتوری مذهبی به یک حکومت معمولی تبدیل شود. آیا به نظر شما این یک تحول جدی در ساختار حکومت جمهوری اسلامی محسوب می‌شد و می‌توانست خط مشی ما را در مورد این رژیم تغییر دهد؟

من تاکید کردم که خط مشی سیاسی ما با این تحول نمی‌توانست پایان یافته تلقی شود. چرا که دموکراسی در مرکز توجه آن است. این تحول به معنای آزادی احزاب سیاسی، انتخابات آزاد و استقرار رژیم مبتنی بر انتخاب آزادانه‌ی مردم نبوده و نیست. اما از نظر مشکلاتی که گریبانگیر کشور است، از نظر مصالح پیشرفت اقتصادی، برای پاسخگویی به مسائل مربوط به اداره امور کشور، به نظر من تضعیف سلطه روحانیت و فقه در حاکمیت یک تحول مثبت بود.

شما فکر می‌کنید این ارزیابی ناشی از عدم شناخت جمهوری اسلامی بود یا فکر می‌کنید یک موقعیتی پیش آمده بود که نیروهای بوروکرات می‌توانستند به پیروزی هم برسند ولی این موقعیت از دست رفت.

من با نظر دوم موافقم. در انتخاب تا کنیک سیاسی عنصر تعیین کننده این نیست که امکان دست‌یابی به خواسته مورد نظر انفرادی قطعاً است یا امکانی احتمالی. به نظر من درست بوده و درست هست که مادر مثنی سیاسی خود از حمله‌ی به نهاد ولایت فقیه و مقابله با تسلط همه جانبه معممین بر حکومت شروع کنیم. در این کار نباید

تردید کرد. در آن تلاشی که برای تغییر توازن قدرت میان استفاده بوروکراسی و دستگاه روحانیت در جریان بود، جهت گیری دست این بود که سلطه روحانیت آماج اصلی باشد. اما راست این است که ارزیابی من از توازن نیروها نادرست بود. من فکر می‌کردم نیروهای تکنوکرات و بوروکرات آنقدر در جامعه و در حکومت نیرو گرفته‌اند و مجتمع شده‌اند که می‌توانند سلطه روحانیت را به عقب بزنند. این ارزیابی نادرست بود.

به عبارت دیگر شما فکر می‌کنید که جهت اصلی مبارزه ما باید متوجه اصلاح ساختار سیاسی جمهوری اسلامی باشد یا جهت این مبارزه باید برکناری مجموعه این حکومت باشد.

این بحث بحث استراتژی و تاکتیک است. استراتژی باید تغییر نظام جمهوری اسلامی و استقرار نظام مبتنی بر حق رای مردم باشد. در تاکتیک در هر مرحله ما باید از اصلاح و تغییر در ساختار جمهوری اسلامی و در سیاست‌های حاکم رایی گیری و رژیم را به عقب نشینی وادار کنیم. هر گام عقب نشینی، هر تغییر مثبت در ساختار حکومتی گامی در جهت دموکراسی است.

بحث بر سر عقب نشینی رژیم بر اثر فشار از پایین نیست. بحث بر سر اصلاح سیستم سیاسی است. آیا هدف تا کنیک را از جمله می‌توانیم اصلاح ساختار سیاسی رژیم قرار دهیم یا نه؟

البته که می‌توانیم. این نوع اصلاح به سود ما است. من نظر شما را نمی‌دانم. از نظر من به سود دموکراسی است.

تا کنیک شما از ارزیابی معینی ناشی می‌شود. آیا شما این امکان را در حکومت موجود مهیا می‌بینید که مجموعه فشارها بتواند به اصلاح ساختار سیاسی حکومت منجر شود؟

به طور کلی نمی‌توان یک بار برای همیشه گفت که اصلاح یا تغییر در ساختار رژیم اسلامی امکان پذیر هست و یا یک بار برای همیشه گفت که هیچ نوع تغییر یا اصلاح در این رژیم امکان پذیر نیست. پاسخ این سوال را توازن نیروها، میزان بسیج و شرایط واقعی تعیین می‌کند که اصلاح امکان پذیر است یا نه. این امید در سالهای پس از پایان جنگ و مرگ خمینی بود که ممکن است تغییری یا اصلاحی در ساختار رژیم امکان پذیر گردد اما توازن نیرویاری نکرد که این اصلاح به پیش برود. فردا، در آینده ممکن است شرایط دیگری فراهم شود. نامه ۸۶ نفع و امکان شرکت یا عدم شرکت یخشی از نیروهای مخالف در انتخابات آتی البته اصلاح نظام نیست ولی به معنای تغییر در شرایط سیاسی است.

یعنی تحول در ایران در جهت استقرار دموکراسی باید با شرکت و موافقت حکومت صورت پذیرد.

آرزو در این راستاست. آرزو این است که تحول به صورت مسالمت آمیز و نرم انجام پذیرد. از این نظر همه نیروهای طرفدار دموکراسی باید تمام تلاش خود را به کار گیرند تا نیروی حاکم و نه تنها نیروهای حاکم که مجاهدین، حامیان رژیم سابق و چپ‌های رادیکال را به توافق یا خود برای گذار مسالمت آمیز ترغیب کنند. چنین توافقی امروز غیر عملی و غیر ممکن است. به این دلیل که نیروی دموکراسی در ایران هنوز موفق به تسخیر موضعی نشده است که دست‌یابی به آنها برای استقرار دموکراسی ضروری است. استقرار نظام دموکراتیک در ایران دو چیز طلب می‌کند: یکی آزادی تشکل، یکی آزادی بیان. هر یک از این دو یک روند است و یکجا تحقق نخواهد یافت.

تکیه بر این دو روند، یعنی متحد کردن مردم حول مطالبات دموکراتیک و تحت رهبری سیاسی واحد آن دو پایه اساسی است که زمینه را برای استقرار نظام سیاسی دموکراتیک مهیا می‌کند.

وقتی مردم حول خواست‌ها و مطالبات معین متحد و حول رهبری سیاسی واحد متحد شدند آن زمان باید صحبت کرد که این نیروی را که بدست آورده‌اند - این حربه‌ای را که بدست آورده‌اند در برابر نیروی حاکم چگونه به کار گیرند. به نظر من باید این حربه را برای وادار ساختن طرف مقابل به پذیرش راه مسالمت آمیز به کار گیرند.

اینکه در آینده استبداد به زانو در نخواهد آمد در برابر اراده متحد مردم، از نظر من یک پیش‌بینی ما یوسانه و مبتنی بر کم‌بها دادن به ظرفیت‌های موجود در ایران در جهت استقرار دموکراسی است. اگر نیروی دموکراسی

آنقدر توانمند شده باشد که بتواند رژیم موجود را برکنار سازد قطعاً خواهد توانست که طرفداران آن را نیز به توافق با خود حول گذر مسالمت آمیز ناگزیر سازد.

شما از شکل گیری رهبری سیاسی جنبش برای استقرار دموکراسی صحبت کردید. در نظرات شما این هست که این رهبری اساساً باید در داخل کشور شکل بگیرد. اگر ممکن است در این مورد بیشتر توضیح دهید.

تاسیس رهبری سیاسی واحد با هدف استقرار دموکراسی، در وضعیت موجود کشور قبل از هر چیز بستگی به ایجاد شرایط مناسب برای برآمدن رهبری دارد. در شرایط استقرار همه جانبه‌ی استبداد در کشور و شرایط انفعال مردم برای مقابله با این استبداد امکان شکل گیری رهبری سیاسی در داخل کشور طبعاً وجود ندارد. در آن مرحله مبارزه طبعاً متوجه پیگیری مطالبات معین و در مرکز آن اعتراض به موارد نقض حقوق بشر است. این رهبری فقط زمانی می‌تواند مدعی تغییر در مجموعه نظام سیاسی حاکم بر کشور و گذار از وضع موجود به نظامی دیگر بشود که شکاف در نظام حاکم پیدا شده، شرایط اجتماعی مساعد شده و اوضاع بین المللی به حمایت از این تغییر نیز جلب شده باشد. تا آن زمان طرح مطالبات و خواست‌های مشخص و موضعی است که می‌تواند راهگشا و زمینه ساز تاسیس و برآمد رهبری سیاسی واحد گردد.

دلیل مخالفت شما با این سیاست سازمان برای ایجاد آلترناتیو دموکراتیک هم اساساً به همین مناسبت است یا دلایل دیگری نیز دارید؟

اول ما باید زبان مشترک پیدا کنیم روی معنای کلمه آلترناتیو. درکی که من از سیاست سازمان مصوب کنگره دوم داشته‌ام و دارم این بود و این هست که می‌خواهد رژیم را بر دارد و رژیم پارلمانی را راساً و به اتکای متحدین خود و بدون توافق با سایر آلترناتیوها، و بدون توافق با نیروهای حاکم، جایگزین آن سازد. به زبان دیگر استقرار جمهوری پارلمانی حلقه‌ی بلا واسطه در این میان است. این حلقه واسطه از نظر من مجمع توافق همگانی است که عناصروارکان آن نیروهای هستند که هر کدام راه حل‌ها و یا بزعم دیگر "آلترناتیوها" دیگری را (بجز جمهوری پارلمانی) طلب میکنند. این نکته در خط مشی سازمان موجود نیست. ارائه نیروی که باید دولت تشکیل دهد و یا قدرت را به دست گیرد ضروری است اما در وقت ضرور. حنا رهبران و چهره‌های آن باید معرفی شوند اما در وقت ضرور. من با معرفی رئیس جمهور، معرفی هیات دولت، حنا با معرفی نامزد های نمایندگان مجلس در وقت خود، نه تنها مخالف نیستم بلکه آن را وظیفه هر نیروی سیاسی جدی می‌شناسم که خواهان تحول جدی در اوضاع کشور است. مطمئن باشید روزی که وقتش رسید ما حتماً این کار را خواهیم کرد.

امروز ما و دیگران که آلترناتیوهای فکری یعنی (نظام‌های سیاسی) متفاوت را برای جامعه پیشنهاد می‌کنیم باید با یکدیگر برای چگونگی استقرار نظام مورد نظر خود به یک راه حل مشترک یعنی تاسیس مجلس موسسان با مشارکت یکدیگر برسیم. این مساله‌ای مقدم است. معرفی ترکیب وظیفه مقدم نیست و چه بسا آن روز ترکیب نیروها و احزابی که ما برای بدست گرفتن قدرت پیشنهاد می‌کنیم همان ترکیبی نباشند که امروز متحد ما هستند. هنوز زود است که ما درباره ترکیب قدرت جایگزین تصمیم بگیریم و این مخالفت مربوط به امروز است و نه بطور کلی.

چرا فکر می‌کنید ارائه آلترناتیو از جانب نیروهای دموکراتیک به معنی پیشنهاد ترکیب معینی برای حکومت است و به معنای پیشنهاد نوع معینی از نظام حکومتی نیست؟

اگر منظور ارائه نوع معینی از نظام حکومتی باشد آنوقت تشکیل دادن یا ایجاد کردن آن بی‌معناست. در این صورت وظیفه‌ی ما در این زمینه وظیفه‌ای تبلیغی، سیاسی، ترویجی یعنی وظیفه ارائه یک برنامه سیاسی معین است.

درواقع نظری هست که منظور از تشکیل یا ایجاد آلترناتیو دموکراتیک همان ارائه یک برنامه سیاسی معین و تبلیغ و ترویج آن در جامعه است و نه ارائه یک ترکیب از نیروهای سیاسی معین برای تشکیل حکومت. این نظر اما

بقیه در صفحه ۷

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/></p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمپر) به آدرس "کار پست" نمایید.</p>	<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>ششماه _____ ۴۵ مارک</p> <p>یکسال _____ ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>ششماه _____ ۵۲ مارک</p> <p>یکسال _____ ۱۰۴ مارک</p> <p>GER _____ 3 DM</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <hr/> <p>دارنده حساب: I.G. e.v.</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کد بانک: 37050198</p> <p>Verleger: I.G.e.v.</p> <p>I.G. e.v. آدرس:</p> <p>Postfach 260268</p> <p>50515 Köln</p> <p>Stadtparkasse Köln</p> <p>GERMANY</p> <p>Germany</p> <p>شماره فکس: 0049 _ 221 _ 3318290 Fax:</p>
--	---	--



# چرا چپ ها مهر سگوت پر لکب زده اند؟

هفته نامه «دی سابت» در تاریخ ۵ ماه مه مقاله ای از داوید گروسمان نویسنده مترقی اسرائیلی منتشر کرد. گروسمان در این مقاله نگرانی خود را از نقش انفعالی چپ ها در فائز نوبل روند صلح بین فلسطینی ها و اسرائیل ابراز می کند و از بی عملی چپ ها در این فائز سخن می گوید.

گروسمان می نویسد: احیراً در ملاقاتی که بین روشنفکران اسرائیل و فلسطینی صورت گرفت، یکی از اسرائیلیان پرسید: رفقای فلسطینی علیرغم اینکه بخوبی واقفند پروسه صلح، فائز بسیار مشکلی را طی میکنند و فلسطینیان بعد از سالها مبارزه و کشمکش تا حدی به هدف خود یعنی یک کشور مستقل فلسطینی دست یافته اند، چرا آنها اکنون مهر سگوت پر لکب زده اند؟ آنها بی که آینده دورتر را می توانند ببینند چرا لب بر بسته اند. جوابی که فلسطینیان به این سؤال می دهند چنین است: چون خود ما هم دیگر به پروسه صلح چندان امیدوار نیستیم. ما هر روز شاهدیم که زمین های بیشتری مصادره می شوند و خانه های بیشتری ساخته می شوند و جاده های کمر بند می شوند. عده ای دور مناطق ما بنا می شود. این ها هم حاکی از آنست که اسرائیلی ها می خواهند بار دیگر بر ما در میدان دیگری پیروز شوند اما فقط ایندفعه این سرکوب بطرز زیرکانه تری انجام می شود بطوریکه هر شانس برای تعیین سرنوشت ملی را از ریشه می خشکانند. کسانی که با فلسطینی ها از نزدیک در ارتباط هستند از این نقطه نظر آگاهند ولی این نکته که آیا افکار عمومی هم بقدر کافی در جریان این مواضع قرار دارند قابل شک است؟ استدالات رفقای فلسطینی که بیشترشان به پیمان صلح لیبیک گفته اند و هر کدام هم بهای گزافی برای آن پرداخته اند، اردوگاه هواداران صلح اسرائیلی را موظف می کند که این سؤال را از خود بکنند که آیا ما خودمان، را فریب نداده ایم؟

بنا به تعجب این سؤال در محافل چپ های معتدل و لیبرال یا اصولاً طرح نمی شود و یا اینکه کنار گذاشته می شود. چپ ها طی دهها سال مبارزه از طرق های مختلف و با بیخود توده ها توانستند به عملی شدن صلح کمک بسیار موفقی بکنند. اما بعد از پیمان اوسلو چپ ها به وضعیتی افتادند که می توان آن را به فلج کامل تشبیه کرد. در مورد علت این کم کاری بعد از آغاز مذاکرات می توان این استدلال را از چپ ها



سربازان اسرائیلی در حال سرکوب فلسطینی ها در نزدیکی بیت المقدس

طرف چپ ما مطرح نمی شوند. چرا جنبش صلح دیگر توده های چند ده هزار نفری را به خیابان ها نمی کشاند تا این مسائل را به گوش همه مردم برسانند. آیا حالا موقع مناسب برای فشار آوردن بر این نیل به هدفی که سالها برای آن مبارزه شده است فرانسیده است؟

چرا این فشار از طرف مقابل بر اسحاق رابین وارد می شود و بنا به این فشار به روشنی خودشان را نشان داده و خواهند داد و بیزودی در انتخابات هم شاهد تاثیراتش خواهیم بود. برآستی چپ ها کجا رفته اند؟ این انتقاد فقط متوجه چپ هانیست بلکه اهل قلم را هم دربر می گیرد. گویی ما آدم های هستیم که برای یک هدف می رزمیم ولی وقتی آرزویمان برآورده شد همه فلج می شویم. گویی دیگر عصر ما به پایان می رسد و نوبت انسانهای اهل عمل فرامی رسد. حالا دقیقاً موقع آن فرانسیده است که چپ ها صدایشان را بلند کنند و از نفوذ توده ایشان

توافق نظامی است که بر طبق آن فلسطینی ها در یک ناحیه تحت محاصره قرار خواهند گرفت و دورتادور آن ها یک کمر بند وسیع اسرائیلی مرکب از جاده های کمر بندی و انواع پست های کنترل و خانه های مهاجرین ایجاد کرد؟ راهی که رابین در آن قدم نهاد از طرف همه تحسین شد و می شود. اما با این وصف هم این موضوع مطرح است که قدرت طلبی و غریزه ستیزه جویی او را از ادامه راه تا به آخر بازمی دارد یا نه؟ لذا این ما هستیم که این راه را تا به آخر باید طی کنیم. اگر کاری به آخر نرساند همه چیز به حالت اولیه اش برمی گردد و در خلاصه همه پیش بینی ها که می گویند که روند صلح غیر قابل برگشت است این پروسه هم مستثنی نیست. چنانکه خیلی چیزها غیر ممکن می نمودند ولی در عمل دیدیم که ممکن شدند. برای تغییر این تصویر بطور ریشه ای باید یک سیاست جسورانه اتخاذ کنیم. ما باید خودمان را از

دست مواضع غیر اصولی و تک نظرانه ای که نمایندگان ما در مذاکرات اتخاذ می کنند رها سازیم.

ما در مذاکرات از موقعیت برتری برخورداریم. کالایی را که فلسطینی ها خواهان آنند در دست ماست. گرچه این موضوع هم که ما فقط بخشنده و آنها گیرنده هستند بطور کلی درست نیست و این قضیه هم صحت ندارد که آنها بیش از ما به صلح نیازمند هستند. اگر واقعاً چنین بود اسرائیل به این زود بها به صلح تن در نمی داد. در روند مذاکرات ممکن است ما در کوتاه مدت به پیروزیایی دست یابیم. اما بطور کلی در این روند بازنده و برنده غالب و مغلوبی وجود ندارد. در اینجا دیگر منافع من و منافع او مطرح نیست. هر چه هست منافع ما است.

هر دو طرف ما زخمهای عمیق بر بیکر و روح مان داریم و با این زخم ها روند آشتی را باید طی کنیم. هر دو طرف فرهنگ خشونت و انتقام کشی را در خود داریم. رهایی از این فرهنگ و پیشدوری ها تلاش فراوانی را می طلبد. ما باید بیم و نگرانی روشنفکران فلسطینی را دست کم نگیریم. شاید هم اکنون آنها حدس می زنند که کشور فلسطین مورد نظر اسحاق رابین چیزی است بین یک حکومت خودمختار فلسطینی و یک نوع کنفدراسیون با اردن که از داخل این کشور جاده های اسرائیلی رد می شوند و در اطراف آن خانه های مهاجرین اسرائیلی قد علم می کنند و بدین صورت تخم نفاق و تحقیر برای ابد در این منطقه کاشته خواهد شد. با توجه به نقشه های مرزی معاهده موقتی اسرائیلی ها به نظر می آید که اسرائیل تلاش دارد حاکمیتش را بر اغلب مناطق و خانه های مهاجرین در مناطق اشغالی حفظ کند.

در ملاقاتی که با یکی از نمایندگان اسرائیلی شرکت کنند در مذاکرات صلح داشته به این نتیجه رسیدم که هیچکس و خود اسحاق رابین هم نمی داند که آخر و عاقبت این پیشنهاد به کجا می رسد. شاید طی برخورد های فکری این مواضع تغییر یابند ولی این سؤال باقی می ماند که آیا روند صلح تحت این شرایط هیچ شانسی برای به نتیجه رسیدن دارد یا نه؟ آیا این پیشنهاد مرزهای موقت کل قضیه را به بن بست نخواهد کشاند. علیرغم همه این مسائل چیزی که مسلم است اینکه چپ نباید بیش از این آرام بنشیند و دست روی دست بگذارد.

## اخبار کوتاه از سراسر جهان

### مذاکرات اسرائیل و فلسطین به کندی پیش می رود

با اینکه اسرائیل و فلسطینی ها در ماه مه راه عنوان موعده دستیابی به توافق برای گسترش خود مختاری غزه و اریحا به بخش هایی دیگر از مناطق کرانه غربی رود اردن و برگزاری انتخابات در مناطق اشغالی و خود مختار تعیین کرده اند، با توجه به کندی مذاکرات طرفین و موانع آن، بعید به نظر می رسد تا این تاریخ طرفین بتوانند به موافقت نامه کاملی در این مورد دست یابند. افراطیون اسرائیلی در اعتراض به عقب نشینی قریب الوقوع ارتش اسرائیل از بخشی دیگر از مناطق اشغالی، دست به اعتراضاتی از قبیل اشغال ساختمان های خالی در این مناطق زده اند. از سوی دیگر هفته گذشته در حادثه ای در نوار غزه، دو نفر از اعضای گارد محافظ عرفات به ضرب گلوله سربازان اسرائیلی کشته شدند.

### اعزام ۲۰ هزار نفر نیروی جدید از سوی ترکیه

#### برای سرکوب کردها

ارتش ترکیه برای سرکوب کردها در استان تونجلی این کشور ۲۰ هزار نفر نیروی نظامی جدید به منطقه اعزام کرد. این نیروها از استان ارسنجان به ۳۰ هزار نفر نیروی دیگری پیوستند که از قبل به سرکوب چریک های کرد در تونجلی مشغول اند. به گزارش روزنامه ملیت ترکیه، قرار است نیروی ۵۰ هزار نفری ارتش این کشور دست به یکی از بزرگترین عملیات مقابله با کردها بزند. استان تونجلی اکنون به صحنه اصلی جنگ بین حزب کارگران کردستان (پ. کا. کا.) و نیروهای دولتی تبدیل شده است. هفته گذشته در جریان یک عملیات کمین پ. کا. کا. در این استان، ۱۸ سرباز دولتی کشته و دو نفر دیگر مجروح شدند. مقامات ترکیه می گویند در این منطقه نیروهای پ. کا. کا. و گروه چپ گرای «دوروسول» که قبلاً علیه یکدیگر می جنگیدند، متحد شده اند.

### مذاکرات بین مقامات جبهه نجات و دولت الجزایر

برخی گزارش ها از الجزایر حاکی است بین عبدالقادر حقانی از رهبران زندانی جبهه نجات اسلام الجزایر و نمایندگان دولت این کشور، مذاکراتی جاری است که هدف آن، فراخواندن بنیاد گرایان به زمین گذاشتن سلاح های خود از سوی جبهه نجات، و درازای آن آزادی حقانی و عباس مدنی دو رهبر جبهه نجات در سالگرد استقلال الجزایر (۱۴ تیرماه) است. گفته می شود حکومت الجزایر به جبهه نجات قول مساعد داده است در صورت پذیرش آتش بس، خواهد توانست تحت نام دیگری به تجدید سازمان قانونی خود بپردازد. به نظر می رسد این توافق ها در جهتی است که «بیانیه رم» پیشنهاد کرده است. این بیانیه حدود ۵ ماه پیش توسط احزاب عمده اپوزیسیون الجزایر امضا شد و در آن، حکومت الجزایر به پایان دادن به جنگ داخلی فرا خوانده شد.

### نا آرامی در کراچی

در هفته های گذشته موجی از خشونت و نا آرامی شهر کراچی پاکستان را دربر گرفته است. یک رشته سوء قصد به مقامات دولتی و خانواده های آنان، چند کشته و زخمی به جای گذاشت. تروریست ها با مسلسل و نیزه موشک اقدام به عملیات می کنند. به نظر می رسد این حملات در پاسخ به اقداماتی باشد که دولت بی نظیر یو تو اخیراً علیه دستجات مسلح افراطیون مذهبی و قومی انجام داده است.

### فرانسه آزمایش های اتمی را از سر می گیرد

ژاک شیراک رئیس جمهور جدید فرانسه اعلام کرد این کشور، آزمایش های اتمی خود را که به دستور فرانسوا میتران رئیس جمهور سابق قطع شده بود، از سر می گیرد. این آزمایش ها قرار است در مجمع الجزایر موروروا واقع در جنوب اقیانوس آرام که متعلق به فرانسه است، انجام گیرد و تا ماه مه سال ۱۹۹۶ ادامه یابد. شیراک اعلام کرد پس از این سلسله انفجارها، فرانسه آماده خواهد بود همراه با سایر قدرت های اتمی، قراردادی برای منع انفجارهای هسته ای امضا کند. از چهار قدرت اتمی دیگر، هم اکنون روسیه، آمریکا و بریتانیا مدتی است که اعلام کرده اند دست به انفجارهای اتمی نخواهند زد، و تنها چین است که به این آزمایش ها ادامه داده است. تصمیم شیراک با اعتراض شدید کشورهای حوزه جنوب اقیانوس آرام، از جمله استرالیا و نیوزیلند روبرو شد.

### تحریم "شل"

#### به مناسبت طرح غرق کردن تأسیسات نفتی

طرح کمپانی نفتی شل و دولت بریتانیا برای غرق کردن تأسیسات نفتی یک چاه نفت تخلیه شده در اقیانوس اطلس، موجی از اعتراض طرفداران حفظ محیط زیست را در اروپا برانگیخته است. در اعتراض به غرق کردن این تجهیزات که حاوی مقدار زیادی مواد سمی است، در برخی کشورها مانند آلمان، طرفداران محیط زیست خرید بنزین از پمپ های شل را تحریم کرده اند. دولت آلمان نیز از لندن و شل خواسته است در تصمیم خود تجدید نظر کند.

### حمله خونین

#### چچنی ها...

بقیه از صفحه ۱۲

چچن صورت گرفت. به دنبال تصرف چند مقر چچنی ها توسط ارتش روسیه، در تلوپوزیون روسیه ویکتور چرنومیردین نخست وزیر ظاهر شد و به این سؤال که ممکن است جنگ چچن به سایر مناطق روسیه کشیده شود، پاسخ داد: «این امر غیر ممکن است. به نظر می رسد با موفقیت های نظامی روسیه، مقاومت نیروهای چچنی در خاک این جمهوری در حال درهم شکستن است و بخشی از این نیروها، چاره را در توسل به اقدامات تروریستی در خاک روسیه دیده اند. با توجه به چنین تمایلاتی بود که دو هفته پیش جوهر دود ایف رهبر چچنی ها، افراد خود را از عملیات در خاک روسیه منع کرد و گفت: «ما تروریست نیستیم. ما قادریم در منطقه خودمان دفاع کنیم»

### آیا طالبان با حزب اسلامی حکمت یار متحد می شود؟

مقررات جدید جمهوری اسلامی، ۴۵۰ هزار نفر از افغانی های مقیم ایران باید به افغانستان بازگردند. خبرگزاری جمهوری اسلامی روز ۲۱ خرداد گزارش داد تا اواسط شهریورماه، کار بازگرداندن این مهاجران به اتمام خواهد رسید. طبق این گزارش، «مسیونی با شرکت کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، برای بازگرداندن آوارگان تا ۱۵ شهریورماه و مسائل حمل و نقل لازم را تهیه خواهد کرد». همچنین قرار است کمیساریای پناهندگان به این مهاجران کمک های انسانی نیز برساند. در مراکز استان ها، اداره های اتباع خارجی برای اخراج افغانی ها بسیج شده اند. مدیرکل اتباع خارجی استان فارس گفته است نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نسبت به جمع آوری و اخراج

به دنبال شکست های نظامی گروه طالبان در افغانستان، برخی گزارش ها حاکی است در غرب افغانستان این گروه دست به تلاش هایی برای نزدیک شدن به حزب اسلامی حکمت یار زده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی روز ۱۲ خرداد ماه در گزارشی از این امر ابراز نگرانی کرده است که طالبان در استان هیلمند، پشتو زبانان را علیه افغانی های فارسی زبان تحریک می کنند. همین گزارش حاکی است در این استان، طالبان به توافق هایی با حزب اسلامی رسیده اند.

از افغانستان خبرهایی دایر بر این رسیده است که آوارگان افغانی بازگشته از ایران به کشورشان، در هرات دچار موقعیت دشواری شده اند چرا که جنگ یا هوای نامساعد، کلیه راه های خروج از این شهر را مسدود کرده است. طبق

## اجلاس سران ۷ کشور بزرگ صنعتی در کانادا تشکیل شد

### شورای امنیت از تشکیل نیروی واکنش سریع برای بوسنی، حمایت کرد

یابدین منظور، یک صندوق کمک داوطلبانه تشکیل شود. در پاسخ به این خواست، دولت هلند که قول اعزام ۱۷۰ سرباز به نیروی واکنش سریع را داده است، روز ۲۶ خرداد اعلام کرد حاضر به تأمین بودجه اعزام این سربازان نیست. در چارچوب مقررات سازمان ملل برای اعزام نیروهای پاسدار صلح، حدود یک سوم مخارج این گونه مأموریت‌ها را آمریکا تأمین می‌کند. تشکیل نیروی واکنش سریع، اقدامی است که فرانسه و بریتانیا پس از گروگان‌گیری‌های اخیر سربازان سازمان ملل توسط صرب‌های بوسنی، در مورد آن به توافق رسیدند. هفته گذشته اکثر این گروگان‌ها آزاد شدند اما صرب‌ها اعلام کردند ۱۵ نفر از آنها را چند روز دیگر نگه می‌دارند.

از روز پنجشنبه ۲۵ خرداد، شمال غربی سارایوو مرکز بوسنی - هرزه‌گویی شاهد تعرض گسترده نیروهای دولتی این جمهوری علیه مواضع صرب‌هاست که سارایوو را محاصره کرده‌اند. شمار نیروهای شرکت‌کننده در این تعرض بین ۱۵ تا ۳۰ هزار نفر برآورد می‌شود. در حالیکه تعداد نیروهای صرب مستقر در این منطقه حدود ۱۰ هزار تن است. هنوز معلوم نیست تعرض اخیر نیروهای دولتی بوسنی، تدارک حمله‌ای بزرگ برای شکستن محاصره سارایوو است یا نه. در فرمانی که عزت بیگویچ رئیس جمهور بوسنی صادر کرد، آمده است که دولت بوسنی قصد دارد به "فشاردن گلوبی سارایوو" توسط صرب‌ها خاتمه دهد. این شهر بیش از سه سال است که در محاصره صرب‌هاست. اینان اخیراً با خارج کردن سلاح‌های سنگین خود از کنترل سازمان ملل و گروگان‌گیری نیروهای این سازمان، بار دیگر بوسنی را در مرکز توجه جهان قرار دادند. صرب‌ها موفق شدند از سازمان ملل در ازای آزادی گروگان‌ها تضمین عدم تکرار حملات هوایی تا توبه مواضع خود را بگیرند.

### یک شورش ضد دولتی در عراق سرکوب شد

به گزارش منابع اپوزیسیون عراق، واحدهای مسلح وفادار به حکومت، به دنبال این حادثه دست به محاصره یک واحد زرهی زدند که در شورش شرکت داشت. روز پنجشنبه برخی منابع در عراق تأیید کردند که فرمانده گردان تانک شورش، به دنبال شکست این شورش خودکشی کرده است. در گزارش‌ها آمده است انگیزه شورش اخیر در عراق، اعدام یک ژنرال سابق نیروی هوایی این کشور به اتهام توطئه علیه صدام حسین بود. در جریان شورش، مخالفان دوبار کوشیدند زندانیانی را که از هنگام ناآرامی‌های رمادی در زندان شهر ابوغریب اسیرند، آزاد کنند، اما موفق نشدند. شمار این زندانیان صد هفتاد تخمین زده می‌شود.

شامگاه پنجشنبه ۲۵ خرداد به وقت نیویورک، شورای امنیت سازمان ملل متحد از تشکیل یک نیروی واکنش سریع اروپایی برای بوسنی - هرزه‌گویی حمایت کرد. علیرغم حمایت‌ها از این اقدام، به علت ابراز مخالفت‌هایی در کنگره آمریکا، مسئله تأمین بودجه نیروی واکنش سریع لا ینحل مانده است. رابرت دول ونوت گینگریچ رهبران جمهوریخواهان در سنا و مجلس نمایندگان آمریکا گفته‌اند این کشور نباید با اعزام نیروی زمینی یا کمک مالی، به پیشبرد "استراتژی غلط" سازمان ملل در بوسنی کمک کند.

رای شورای امنیت به نیروی مداخله سریع، با سیزده رأی موافق و دو رأی ممتنع روسیه و چین اتخاذ شد. بیشترین اصرار در تشکیل این نیرو را فرانسه نشان داد. کلینتون رئیس جمهور آمریکا نخست تلاش داشت رأی‌گیری تا حصول توافق بین وی و کنگره در مورد نحوه تأمین بودجه نیروی واکنش سریع به تعویق افتد، اما با فشاری شریک رئیس جمهور فرانسه، آمریکا نیز به قطعنامه رأی مثبت داد.

در قطعنامه شورای امنیت، اعزام حداکثر ۱۲۵۰۰ سرباز فرانسوی، انگلیسی و هلندی با تجهیزات سنگین برای دفاع از ۲۲ هزار سرباز پاسدار صلح سازمان ملل که در بوسنی - هرزه‌گویی مستقرند، مجاز شمرده شده است. قطعنامه با اینکه دفاع از "کلاه آبی"‌های سازمان ملل را تنها وظیفه نیروی واکنش سریع اعلام کرده است، به اینکه این نیرو تحت چه شرایطی مجاز به کاربرد قهر است، اشاره‌ای ندارد.

پطرس غالی دبیرکل سازمان ملل، در نامه‌ای به شورای امنیت مخرج شش ماه اول نیروی مداخله سریع را حداقل ۳۰۰ میلیون دلار برآورد کرد. نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت این کشور فعلاً حاضر نیست بخش اعظم بودجه نیروی واکنش سریع را بر عهده بگیرد. وی پیشنهاد کرد کشورهای دیگر که این نیرو را تشکیل می‌دهند، خود تأمین بودجه آن را نیز بر عهده گیرند و



سران ۷ کشور بزرگ صنعتی در لحظه گشایش کنفرانس

در آسیای جنوبی شرقی رقم می‌خورند. در نهاد‌های اقتصادی مهمی همچون صندوق بین‌المللی پول نیز کشورهای مزبور دیگر از اکثریت آرای خود را نیستند. از همین رو تصمیم مهم این اجلاس تنها به افزایش قدرت مالی صندوق بین‌المللی پول برای دخالت فعال‌تر در بحران‌هایی همچون بحران مکزیک و نیز ایجاد یک سیستم هشدار دهنده در مورد نقض مقررات مالی از سوی این یا آن کشور محدود شد.

تا پیش از پایان جنگ سرد که هنوز غرب رقیب واحدی داشت، گروه ۷ نیز متحدانه تر عمل می‌کرد و اجلاس‌هایی به صدور بیانیه‌ها و یکی، دو تصمیم غیرمهم خلاصه نمی‌شد. در سالهای دهه ۸۰ هشتاد همین اجلاس‌ها بودند که با تصمیمات عاجل مانع افزایش نرخ برابری دلار و ایجاد اختلال در تجارت و صادرات غرب شدند، اما اینک منفعلانه نظاره گر کاهش بی‌سابقه ارزش دلارند. قادر به حل اختلاف تجاری آمریکا و ژاپن نیستند و تصمیماتشان در مورد انداختن شتاب آلود روسیه به مسیر

در آسیای جنوبی شرقی رقم می‌خورند. در نهاد‌های اقتصادی مهمی همچون صندوق بین‌المللی پول نیز کشورهای مزبور دیگر از اکثریت آرای خود را نیستند. از همین رو تصمیم مهم این اجلاس تنها به افزایش قدرت مالی صندوق بین‌المللی پول برای دخالت فعال‌تر در بحران‌هایی همچون بحران مکزیک و نیز ایجاد یک سیستم هشدار دهنده در مورد نقض مقررات مالی از سوی این یا آن کشور محدود شد.

تا پیش از پایان جنگ سرد که هنوز غرب رقیب واحدی داشت، گروه ۷ نیز متحدانه تر عمل می‌کرد و اجلاس‌هایی به صدور بیانیه‌ها و یکی، دو تصمیم غیرمهم خلاصه نمی‌شد. در سالهای دهه ۸۰ هشتاد همین اجلاس‌ها بودند که با تصمیمات عاجل مانع افزایش نرخ برابری دلار و ایجاد اختلال در تجارت و صادرات غرب شدند، اما اینک منفعلانه نظاره گر کاهش بی‌سابقه ارزش دلارند. قادر به حل اختلاف تجاری آمریکا و ژاپن نیستند و تصمیماتشان در مورد انداختن شتاب آلود روسیه به مسیر

بوسنی به توافقی برسند. در مورد جمهوری اسلامی نیز همانگونه که پیش بینی می‌شد اروپا با لحن تند بیانیته‌ی پایانی اجلاس علیه حکومت تهران موافقت کرد تا آمریکا راضی کند که از فشاری بر بیوسن اروپا به تحریم اقتصادی علیه ایران چشم‌پوشد.

اختلاف بین آمریکا از یک سو سایر کشورهای صنعتی از سوی دیگر در مورد نحوه برخورد به ایران، در اجلاس هالیفاکس از موضوعات اصلی نبود. کشورهای اروپایی در آستانه این نشست بار دیگر تأکید کردند به تحریم‌های اعلام شده از سوی کلینتون نخواهند پیوست. از گزارش‌های مطبوعات و رسانه‌های غربی در مورد نشست هالیفاکس چنین برمی‌آید که رئیس جمهور آمریکا در کانادا دست به تلاش گسترده و چشمگیری برای متقاعد کردن سایر کشورهای به تحریم ایران نزد. این احتمال وجود دارد که کشورهای غربی منتظر نتایج مذاکرات واعظی فرستاده جمهوری اسلامی به اروپا هستند که قرار است این هفته انجام گیرد. قرار است جمهوری اسلامی در این گفتگوها رسماً به ستوال اتحادیه اروپا در مورد فتوای قتل سلمان رشدی پاسخ دهد. منابع غربی از هم‌اکنون رئوس احتمالی این پاسخ جمهوری اسلامی را منتشر کرده‌اند که عبارت است از دادن تعهدی مبنی بر عدم ارسال کماندو برای قتل رشدی و فراخواندن ایرانیان به مسلمانان مقیم کشورهای غربی به رعایت قوانین کشور میزبان.

در عرصه اقتصادی اینک مدتهاست که کشورهای گروه ۷ نقش انحصاری و منحصر بفرد خود را از دست داده‌اند و هم اینک برخی از روندهای مهم مالی جهان برای مثال

هفته گذشته، شهر هالیفاکس کانادا شاهد برگزاری اجلاس سران آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و کانادا در شهر هالیفاکس کانادا بود. در این نشست نوبتی رهبران هفت کشور صنعتی، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا نیز شرکت کرد. بعداً یلنسن رئیس جمهور روسیه نیز به این جمع پیوست.

نشست‌های سران کشورهای صنعتی معمولاً تحت عنوان بررسی مسائل اقتصادی برگزار می‌شود، اما همواره موضوعات سیاسی نیز در این اجلاس‌ها مطرح می‌شود. امسال جنگ بوسنی - هرزه‌گویی به عنوان مهم‌ترین مسئله بین‌المللی روز، در هالیفاکس مورد بحث قرار گرفت.

چنانکه انتظار می‌رفت اجلاس سران هفت کشور صنعتی به ویژه در عرصه اقتصادی تصمیمات و تدابیر جدی و قابل اعتنایی اتخاذ نکرد. در زمینه سیاسی نیز اجلاس مثل همیشه به بیان برخی دیدگاه‌ها بسنده کرد و اظهار امیدواری نمود که بحران در بوسنی، الجزایر و چین خاتمه یابد، روند صلح خاورمیانه شتاب گیرد و جمهوری اسلامی به پذیرش موازین و معیارهای بین‌المللی و عدم حمایت از تروریسم متقاعد شود. این در حالی است که تداوم بحران و درگیری‌های منطقه‌ای قسماً به مصالح و منافع متفاوت کشورهای شرکت‌کننده در اجلاس بازمی‌گردد.

راست این است که اختلاف منافع کشورهای گروه ۷ مانع از آن بوده است که آنها در مورد پیشگیری از بحران‌هایی همچون بحران مالی در مکزیک، مهاجرت‌های فزاینده، پایان دادن به جنگ تجاری آمریکا و ژاپن، نوسانهای شدید ارزی در بازارهای مالی جهان و یا بحران

### اجلاس سوریه و اسرائیل درباره مسائل امنیتی مذاکره می‌کنند

وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا در سفر اخیر خود به خاورمیانه موفق شد موافقت سوریه را برای شرکت در مذاکراتی که قرار است هفته آینده بین سوریه و اسرائیل در باره مسائل امنیتی صورت گیرد، جلب کند. وزیر خارجه آمریکا هفته گذشته در پایان دیدار چهارروزه خود از کشورهای منطقه، اظهار داشت که هیچ‌گاه به اندازه امروز به تحقق صلح همه‌جانبه در خاورمیانه امیدوار نبوده است. وی افزود با این حال هنوز کارهای بسیاری در پیش است.

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در ملاقات با کریستوفر موافقت کرد در اوایل تیرماه بین سوریه و اسرائیل گفتگو‌هایی در سطح نمایندگان عالی‌رتبه دو کشور در مورد مسائل امنیتی صورت گیرد. کریستوفر پس از دیدار سه‌ساعته خود با اسد گفت کلینتون رئیس جمهور آمریکا برای صلح خاورمیانه به قدری اهمیت قائل است که برای پیشبرد آن حاضر است بار دیگر به منطقه سفر کند.

مذاکرات امنیتی سوریه و اسرائیل، در واشنگتن به میانجی‌گری آمریکا صورت خواهد گرفت. در این گفتگوها، رؤسای

ستاد‌های ارتش دو طرف شرکت خواهند کرد و به بررسی تدابیر امنیتی در بلندی‌های جولان و اطراف آن خواهند پرداخت. این بلندی‌ها از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بدین سو در اشغال اسرائیل است. سوریه تا یکید کرده است شرط انعقاد صلح با اسرائیل، پس دادن این منطقه است. در مقابل، نظامیان اسرائیلی می‌گویند در صورتی که جولان را تخلیه کنند، باید سیستم‌های هشدار دهنده، مناطق غیر نظامی و مناطق حضور محدود نظامی، اطلاع قبلی از مانورهای نظامی طرف مقابل، استقرار ناظران صلح بی‌طرف، ریسک امنیتی اسرائیل بر اثر تخلیه جولان را جبران کند.

از سایر مسائل مورد بحث در مذاکرات سوریه و اسرائیل، حد مورد پذیرش سوریه برای مناسبات دو جانبه خواهد بود. به گفته وزیر خارجه آمریکا، دو هفته پس از برگزاری نخستین دور مذاکرات واشنگتن که روز ۶ تیر آغاز می‌شود، سفرای سوریه و اسرائیل در واشنگتن به همراه نظامیان عالی‌رتبه بار دیگر ملاقات می‌کنند تا به دنبال وقفه‌ای برای بازبینی نتایج، گفتگوها را دنبال نمایند.

### حمله خونین چینی‌ها به شهر بودیونسک روسیه

هفته گذشته روسیه شاهد بزرگترین حمله تروریستی تاریخ خود بود. گروهی از شبه‌نظامیان چینی با رخنه به شهر ۱۰۰ هزار نفری بودیونسک در جنوب روسیه که ۱۵۰ کیلومتر با مرز چین فاصله دارد، دست به کشتار بی‌سابقه‌ای در میان اهالی این شهر و گروگان‌گیری زدند. طبق گزارش‌های رسیده، تا پایان هفته گذشته در جریان این واقعه بیش از ۹۰ نفر کشته شده بودند. حدود ۵۰ نفر از مهاجران در بیمارستان شهر، شمار زیادی از بیماران، کارکنان، نظامیان، افراد پلیس و اهالی شهر را گروگان گرفتند که تعداد آنها تا ۱۵۰۰ نفر برآورد شد. تروریست‌ها خواهان پذیرش مذاکره برای پایان دادن به جنگ در چین از سوی دولت روسیه شدند و تهدید کردند در صورت عدم تحقق این خواست، گروگان‌های خود را خواهند کشت.

در حالی که جنگ چین تا قبل از هفته گذشته به خود این جمهوری محدود بود، اکنون برای نخستین بار دامنه این جنگ به عمق خاک روسیه کشیده شده است. درواکنش نسبت به واقعه بودیونسک، مسکو همه نیروهای خود در شمال قفقاز را به حالت آماده‌باش درآورد. در سراسر

روسیه عملیات کنترل راه‌ها توسط پلیس گسترش یافت. در مسکو پلیس خواران ۱۶ هزار نفر نیروی تقویتی شد. از چند ساعت پس از حادثه جنوب روسیه، دستگیری‌ها در میان چینی‌های ساکن روسیه و افراد دارای ظاهر مشابه آنها آغاز شد. در حالی که دولت روسیه مدعی است رهبری عزل شده جموری چچن حمله تروریستی به بودیونسک را سازمان داده است، جوهره دودایف رئیس جمهور چچن در میان مرکز نیروهای روسی از گروسی مرکز چچن رانده شد، حمله به بودیونسک را محکوم کرد و گفت هرگز دستور حمله به اهدافی در خاک روسیه را نداده است.

رهبری تروریست‌ها بر عهده باسایف فرمانده "گردان آبخازی‌ها" است که در جنگ چچن، متحد دودایف بود و در دفاع از گروسی شرکت داشت. باسایف با ظاهری اسلامی و ریشی انبوه، در بودیونسک در جمع خبرنگاران حاضر شد و بر خواست‌های گروه خود تأکید کرد.

حمله به بودیونسک هم‌زمان با ادامه پیشروی‌های ارتش روسیه در بقیه در صفحه ۱۱